



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۳۵  
چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۵۹، بها: ۱۵ ریال

# شناخت دشمن اصلی - آمریکا - مهمترین ویژگی خط امام

هزاره که نیروهای رنگارنگ ضد انقلاب می کوشند دشمن اصلی را از زیر ضربه خارج کنند،  
امام خمینی تاکید می کند: « آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است»

<p>دشمن اصلی ایران کیست؟ این کدام دیو و دد آدمی خوار است که پنجه خونین تیز کرده تا رگ حیات انقلاب ایران را بدرد؟ امام خمینی، یکبار دیگر در پیام خود به زائرین بیت الله الحرام، به این پرسش گریه که سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به آن بسته است، چنین پاسخ داد: «آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است».</p> <p>شناخت دشمن اصلی همه مردم محروم ایران و جهان، و بسیج توده ها علیه آن و استواری انقلابی برای نابودی آن، مهمترین ویژگی «خط امام» است. این ویژگی از همان روز نخست که امام خمینی از نجف با پیام های خویش به بسیج خلق پرداخت، چون آفتاب درخشان و گرمابخش بود.</p> <p>امام خمینی از آن پس، با درک عمیق ضرورت آگاه سازی و بسیج توده ها، در هر فرصت اعلام کرد که، دشمن اصلی مردم ما امپریالیسم خونخوار آمریکاست. اکنون دیگر این سخنان امام خمینی ورد زبان هر ایرانی مین - دوستی است که در سنگر حفظ دستاوردهای انقلاب ایستاده است: - در این انقلاب شیطان بزرگ آمریکاست - هر چه فریاد دارید سرآمریکا بکشید - همه گرفتاری های ما از آمریکاست - دشمن شماره یک مسلمین</p>	<p>این سخنان حیات بخش رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران از تجربه حداقل یک ربع قرن جنایت و غارت آمریکا، این سرکرده رازنان بین المللی و این ام الفساد قرن سرچشمه می گیرد. شناخت دشمن اصلی خلق های بقیه در صفحه ۸</p>
---	--

## چریکها - با پای لنگ به دنبال مار کسپسم

چریک های اکثریت با حزب توده ایران مبارزه نمی کنند، دهن کجی می کنند. و این عادت دوران کودکی است.

صفحات ۳ و ۶

## پیروان خط بورژینسکی در تلاش هموار ساختن راه سازش با آمریکا

در باره نامه آقای صادق قطب زاده به مجلس شورای اسلامی ایران برای آزادی «گروگان» های جاسوس آمریکائی

صفحه ۷

## ژنرال ضیاء الحق به همقطاران امریکائی خود در ترکیه تهنیت میگوید!

علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و امنیت و استقلال کشور - های مستقل ملی در منطقه. پس از پیروزی انقلاب دمکراتیک در افغانستان و پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و استوار جمهوری اسلامی در ایران، پاکستان به سرپل تجاوز و مرکز فعالیت های نیروهای ضد انقلاب علیه افغانستان و جمهوری اسلامی ایران تبدیل گردید. تمام توطئه ها و سازماندهی نیروهای ضد انقلاب افغانی و اعزام گروه های تروریستی به افغانستان در خاک پاکستان انجام گرفته و هنوز هم ادامه دارد. رژیم سرسپرده ضیاء الحق در تمام توطئه ها تکیه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از جانب آمریکا طرح ریزی شده و از جمله در طرح تجاوز نظامی نافرجام در عملیات طیس مستقیم شرکت داشته و اکنون به قانون اجرای طرح جدید توطئه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، که زمینه اجرای آن از جمله در بلوچستان آماده میشود، تبدیل شده است. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، رژیم دست نشانده ضیاء الحق، طبق نقشه طرح شده از جانب وزارت دفاع و مخابرات آمریکا، روابط و همکاری های نظامی خود را با رژیمهای وابسته به امپریالیسم آمریکا در منطقه، یعنی رژیم انور سادات در مصر، عربستان سعودی، سلطان قابوس در عمان و دیگر رژیمهای ضد خلقی گسترش داده است و این همکاریها بصورت یک اتحاد سیاسی و نظامی میان این کشورها علیه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جنبه پایداری و جنبش خلق فلسطین در برابر تجاوز اسرائیل، درآمده است. ژنرال ضیاء الحق بخوبی میداند که کودتای ژنرالهای ترکیه، که بدستور مستقیم وزارت دفاع آمریکا انجام گرفته، در سمت تقویت همین اتحاد سیاسی بقیه در صفحه ۸

## امنیت قضائی و حکومت قانون شرط ضرور برای پیروزی بر توطئه های ضد انقلاب است

واقعاً خواهان استقلال، آزادی، ترقی و بهروزی کشور است (و اکثریت قاطع مردم به یقین خواهان آنند) با هر کیش و مکتب، با هر جهان بینی فلسفی و پیش سیاسی که باشد، بحکم عقل سلیم باید تحکیم و پیشبرد نظام جمهوری اسلامی را وجه همت خود قرار دهد. البته این امر، بویژه در شرائط توطئه گسترده دشمن حیلہ کار، خون خوار و توانگری چون امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، و ضدانقلاب پیروده آن، کار آسانی نیست. برای اینکه نهادهای انقلابی و از کانهای دولتی جمهوری اسلامی ایران، برای اینکه همه مردم رزمنده، آگاه و خیرخواه کشور از عبده این وظیفه خطیر خلقی، مبینی و مکتبی برآیند، بدون امنیت قضائی لازم است. بدون امنیت قضائی حفظ نظام اجتماعی، ممکن نیست، و بدون حفظ نظام اجتماعی، کار سازنده جهت دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور، تحکیم جمهوری و پیشبرد آن مقدور نیست. و امنیت قضائی زیر سایه حکومت قانون میسر است.

این اظهارات درست، مورد و بجای امام جمعه تهران حجت الاسلام خامنه ای، طبق رهنمودهای مکرر رهبر انقلاب شکوهمند ایران و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی است. رهبر انقلاب ایران از جمله در جمع اعضای جبهاد سازندگی (۲۷ مرداد ۱۳۵۹) گفتند:  
«در اسلام باید نظم مقرر باشد... باید بهمان طوریکه قانون اساسی اسلامی مقرر کرده است و ملت به آن رای داده است باید بهمان طور عمل شود و اسباب این نشود که هر طایفه ای برای خودش یک حکومتی داشته باشند و یک کارهای برخلاف مقررات بکنند».

پس از سرنگونی رژیم طاغوت و طرد امپریالیسم آمریکا، استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران در کل خود (تصویب قانون اساسی، انتخاب رئیس جمهوری، تشکیل مجلس شورای اسلامی و بالاخره تشکیل دولت) مهمترین دستاورد انقلاب شکوهمند مردم ایران است. کسیکه معتقد به نوسازی بنیادی همه جامعه از راه یک انقلاب اجتماعی به نفع مردم زحمتکش مستضعفان است، کسیکه

امنیت قضایی و حکومت قانون شرط ضرور برای پیروزی بر توطئه های گسترده دشمن اصلی ما، امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پیروده آنست. امنیت قضائی و حکومت قانون شرط لازم برای نوسازی بنیادی جامعه به نفع مردم مستضعف زحمتکش است. حملات عده ای چاققار و چاقوکش در شهرهای بزرگ و کوچک به دفاتر احزاب و گروه های سیاسی، کتابفروشیها و غیره ناقض امنیت قضائی و برخلاف قوانین جمهوری اسلامی و قیل از همه و بیش از همه قانون اساسی است.

حجت الاسلام سید علی خامنه ای، امام جمعه تهران، در خطبه نماز جمعه اخیر در تهران متذکر شدند: «گاهی ۱۰ نفر، ۱۵ نفر، در فلان خیابان، در فلان شهر، در فلان شهر کوچک یا بزرگ راه می افتند، با عناوین مختلف به مراکز، به کتابفروشیها حمله می کنند، بداند که این کار خطا و خلاف است. آن کسانی که این کار را می کنند از دو حال بیرون نیست: یا مردمی خیر خواه هستند و یا مردمان مغرض. اگر مردمان مغرض هستند، من از همین جا و به همین وسیله به آنها هشدار می دهم، که بخدا قسم، اگر بس تکبند، ما ملت را در برابر شما قرار خواهیم داد. و اما اگر مردمان خیر خواهی هستند، من الان به آنها می گویم: ای برادران خیر خواه که نمی داند چه باید بکنند. این جمهوری اسلامی را مخدوش می کند. امروز ما دولت داریم، مراکز تصمیم گیری داریم، قانون و قانونگذار داریم. نگذارید مسئولان کارها را بکنند، کمیته ها، پاسداران، شهریاران، آنها خودشان میدانند چکار باید انجام دهند. شما غیر مسئولانه حق ندارید وارد قضایا و مسائل شوید و اینگونه حادثه هایی را وجود یابید، که برای جمهوری اسلامی بسیار زشت و سنگین است».

## « وزیر مقتول » افغانی، یک بیمارستان جدید را افتتاح کرد!

چنین مقتضی میگردد. آنها چندی قبل نیز از کشته شدن یک وزیر دیگر افغانی خبر داده بودند، که سپس خبر مصاحبه او را مخابره کردند!

تازه ترین شاهکار این خبر - گزاریهایی، پیش از دسته گل فوق الذکر، خبر هجوم صد هزار دهقان افغانی به کابل بود، که جمعیت کابل را از یک میلیون به یک میلیون و پانصد هزار تن افزایش داده بود!

آیا رسانه های گروهی و مطبوعات ایران باز هم خبرهای افغانستان را از خبر گزاریهایی امپریالیستی خواهند گرفت؟! بقیه در صفحه ۸

افتتاح کرد و سپس سخنرانی مفصلي درباره برنامه های بهداشتی دولت انقلابی ایراد نمود!

رادیوهای غربی، که بنقل از خبر گزاریهایی امپریالیستی، داستان جعلی قتل وزیر افغانی را پخش کرده بودند، برای آنکه از شدت رسوائی بکاهند، بطور مختصر سخنرانی نظر محمد را پخش کردند و از قول خبر گزاریهایی اعلام داشتند که «گزارش منابع مبارزان را باید با احتیاط تلفی کرد»!

این نخستین بار نیست که خبر گزاریهایی امپریالیستی این

طبق معمول و - متاسفانه - در رسانه های گروهی کشور ما نیز تمام و کمال انعکاس یافت.

در این داستان، که روزیکشنبه ۲۳ شهریور به جهان مخابره شد، گفته میشد که نظر محمد، به همراه یک وزیر دیگر افغانی، هفته گذشته از هلیکوپتر خود پائین کشیده شده و سپس بوسیله جوخه اعدام «مبارزان» تیرباران شده اند.

اما نظر محمد، که به گفته خبر گزاریهایی امپریالیستی، بقتل رسیده بود، روز دوشنبه ۲۴ شهریور، یک بیمارستان مجهز را، با حضور مردم، در ایالت غزنی

خبر گزاریهایی امپریالیستی، سه روز پیش، به نقل از «منابع مبارزان» و «مسافران افغانی که به دهلی نو آمده اند»، داستان مفصلي از کشته شدن دو وزیر افغانی از جمله نظر محمد، وزیر خدمات عمومی افغانستان به سر - تا سر دنیا مخابره کردند، که

## برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



در جلسه علنی مجلس:

موضع مجلس در مورد جاسوس‌های آمریکائی قاطع است

- \* بررسی وضع جاسوس‌های آمریکایی به کمیسیون ویژه‌ای محول شد
- \* کسانی که نکر می‌کنند در مقابل آمریکا نباید ایستاد، در اشتباهند
- \* لیبرال‌ها با موضع‌گیری در مقابل آمریکا مخالفند
- \* جاسوس‌های آمریکایی باید محاکمه و مجازات شوند
- \* تشمت و تفرقه بین مسئولین بساعت‌شادی دشمن است

در جلسه علنی دیروز مجلس، بررسی وضع گروگانهای جاسوس‌آمریکایی به عهده کمیسیون ویژه‌ای که اعضاء آن بزودی انتخاب می‌شوند، واگذار شد. در این جلسه چند تن از نمایندگان، ضمن تأکید بر اینکه ملت ما در حال جنگ با آمریکای جنایتکار و درگیر با انواع توطئه‌ها و تحریکات این امپریالیسم تجاوزگراست، خواهان برخورد قاطع و انقلابی با جاسوسان آمریکایی شدند.

اولین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز، محمدعلی حیدری، نماینده نهاوند بود که، ضمن اشاره به علل پیروزی انقلاب ایران و اهمیت رهبری قاطع امام خمینی، گفت:

«ما ادعا نداریم که به پیروزی نهایی رسیده‌ایم، اما ضمناً معتقدیم که پیروزی‌های چشمگیری هم به دست آورده‌ایم. بنابراین نباید گفت وضع ما بدتر از گذشته شده است. البته باید به وضع مستضعفین رسید. همانطور که امام بارها گفته‌اند، باید رسیدگی به وضع مستضعفین در درجه اول اهمیت قرار بگیرد. باید به اموال نامشروعی که از جیب ملت به جیب مستکبران سرازیر شده‌اند، رسیدگی کنیم و اقدامات لازم را بعمل آوریم.»

وی سپس، ضمن اشاره به یکی از مواد قانون اساسی در مورد مالکیت پیشنهاد کرد که «کمیسیونی در این زمینه تشکیل شود تا به اموالی که از راههای نامشروع بدست آمده است، رسیدگی شود.»

وی افزود: «همچنین، حقوقی که امروز از جیب دولت به بازنشنگانی که اکنون در خارج بسر می‌برند، داده می‌شود، باید مورد بررسی قرار بگیرد. بخصوص که عده‌ای از آنها با رژیم گذشته همکاری داشته‌اند و امروز هم دارند، ولی هنوز از بودجه این مملکت استفاده می‌کنند.»

دشمنان خطرناک داخلی

سخنران بعدی، ابوالفضل موسوی، نماینده تبریز، درباره درگیریهای قهرشیرین و درگیریهای مرزی غرب کشور سخن گفت و خواستار تسریع در درست کردن جاده‌های مرزی شد.

حاجری شیرازی، ناطق دیگر قبل از دستور، ضمن سخنانی اظهار داشت:

«... در رابطه با مسائلی که از ابتدای انقلاب صورت گرفته، از آمدن دولت موقت تا رفتن آن، مسئله این بود که امت ما در حال پیشرفت بودند و آنها (دولت موقت) در حال افول...»

وی سپس به کارشکنی‌های بعضی از ماموران دولتی در کارهای مردم اشاره کرد و آنان را دشمنان داخلی نامید و افزود:

«دشمنان داخلی خطرناکتر از دشمن خارجی هستند.»

آنگاه حجت‌الاسلام رفتجانی، به مناسبت سالروز زلزله طبرس به یازماندهگان این زلزله تسلیت گفت و اظهار امیدواری کرد که به مشکلات آنان، در صورتی

که تاکنون رسیدگی نشده است، هرچه سریعتر رسیدگی شود.

پس از آن مجلس وارد بحث شد و نمایندگان در مورد اینکه آیا جلسه علنی مجلس بررسی وضع «گروگانهای» جاسوس را بپذیرد یا اینکه این بحث را به کمیسیون ویژه‌ای ارجاع کند، به گفتگو پرداختند.

حقایق، در موافقت با ارجاع مسئله به کمیسیون ویژه‌ای که ترکیب و وظایفش بعدها تعیین شود، گفت: «مسئله گروگانها مسئله مهمی است و اینک چشم تمام مردم ایران و خارج از ایران به مجلس دوخته شده است. برای اینکه این موضوع پخته‌تر شود، بهتر است در يك کمیسیون ویژه بررسی شود. البته باید در انتخاب افراد این کمیسیون خیلی دقت شود.»

شهرکی، نماینده زابل، نیز در همین مورد گفت: «در يك جمع ۴۰۰-۳۰۰ نفری نمیتوان به سهولت به نتیجه رسید و باید يك کمیسیون ویژه این کار را بکند و نتیجه جمع‌بندی را باطلاع مجلس برساند.»

خطه‌مشی ضد آمریکائی مجلس محرز است

فخرالدین رحیمی در مخالفت با بررسی مسئله در کمیسیون ویژه گفت:

«با توجه به خبریات «هلکی» که آمریکای جنایتکار توسط عملیات در رژیم سابق به ملت شریف ایران وارد آورده است و با توجه به آگاهی ملت از جنایات آمریکا و مخصوصاً خیانت‌های جاسوسان آمریکائی، که توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام روشن شده، احتیاجی نیست که کمیسیون ویژه تشکیل شود یا جلسه خصوصی باشد.»

وی سپس، ضمن تأکید بر لزوم بررسی وضع «گروگانها» در جلسه علنی اظهار داشت: خط مشی ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی مجلس محرز است.

«من می‌گویم رسماً اعلام شود که آنها که جاسوس بودند، باید محاکمه و اعدام شوند و آنها که جاسوس نیستند، با شرایطی آزاد شوند...»

سخنان وی مورد تأیید چند تن از نمایندگان و تماشاچیان حاضر در مجلس قرار گرفت. در همین مورد، شرعی گفت:

«اگر کثرت مجلس تصمیمشان در مورد گروگانها سازشکارانه نیست، بلکه قطعانه است. اگر بپزده مسائل را با مردم در میان بگذاریم و مردم صداقت را در مجلس احساس کند، آمادگیشان برای برخورد با مشکلات افزونتر می‌شود.»

وی سپس خواهان بررسی مسئله در جلسه علنی مجلس شد.

آنگاه مجلس وارد رای‌گیری شد، و طبق نتیجه آراء، بررسی وضع جاسوس‌های آمریکایی به کمیسیون ویژه محول شد.

در بحث بی‌امون تعیین افراد این کمیسیون، حجت‌الاسلام موسوی خوئینی از جمله گفت:

«در انتخاب افراد، مجلس باید بداند که جهت کلی چیست؟ اگر مجلس طرفدار يك برخورد قاطع و انقلابی درباره گروگانها باشد، هستند عده‌ای که اصلاً خود را کاندید نکنند، و یا اگر مجلس طرفدار برخورد آرامی باشد، بازهم عده‌ای خود را کاندید نخواهند کرد. عده‌ای هستند که در خارج از مجلس، که امیدوارم در مجلس نباشند، که نسبت به اصل مسئله گروگانگیری با دیده شک می‌نگرند...»

موضع قدرت در مقابله با آمریکا

حجت‌الاسلام محلاتی نیز در این زمینه گفت:

«ما اکنون با آمریکا در حال جنگیم. ما اکنون با آمریکا که با وجود همه توطئه‌ها، شکست خورده از موضع قدرت صحبت می‌کنیم و از هیچیک از خواسته‌های مردم صرف نظر نخواهیم کرد. باید مقداری آگاهی داده شود و آنها را به خودشان را صالح میدانند از

عضویت در کمیسیون کنار بروند...»

جلسه مجلس شورای اسلامی در اینجا برای نفس تعلیل شد و پس از تشکیل مجدد جلسه، نامه ۱۵ تن از نمایندگان، که خواستار خارج شدن موضوع «گروگانهای» جاسوس از دستور جلسه شده بودند، قرائت شد. در این نامه خواسته شده بود که «تاوقتی آمریکا دست از تحریکات خود برنداشته و محیط آرام پدید نیامده است، بررسی این موضوع مسکوت بماند...»

دروزد این پیشنهاد رای‌گیری بعمل آمد، که با مخالفت اکثریت قاطع نمایندگان روبرو شد.

پس از این رای‌گیری، حقیقت افشار، نماینده ارومیه سخن گفت و آنگاه، نوری، نماینده آمل، در سخنانی از جمله گفت:

«لازم به یادآوریست که امام بزرگوارمان این گروگانگیری را انقلاب دیگری برای ملت انقلابی ما دانستند. در اینجا دو ینش ممکن است وجود داشته باشد.»

وی در مورد یکی از این بینش‌ها گفت:

«بینش اول همان ینش لیبرالیستی است که معتقد است ما می‌بایستی پس از پیروزی انقلاب روابطمان را با آمریکا و اقلیتش ادامه میدادیم، و وقتی از هر لحاظ نتوانستیم روی پا بایستیم، آنوقت مشمشان را بلند کنیم و بگوئیم مرتکب بر آمریکا. ولی نکته‌ای که اینجا غفلت کردند، این بود که: آیا آمریکا آرام خواهد گرفت و ما را به حال خودمان خواهد گذاشت؟ آنها که معتقدند الان نباید در مقابل آمریکا موضع‌گیری کنیم و مشمشانمان را بلند کنیم، آنها در اشتباهند.»

آمریکا توطئه می‌کند، کودتا می‌کند

نوروزی در ادامه سخنان خود افزود:

«آمریکا توطئه می‌کند، کودتا می‌کند، در ترکیه شاهد بودیم که چه کرد و تصرف لاه جاسوسی در کشورمان نشان داد که در داخل مملکت ما هم پس از پیروزی انقلاب درصدد توطئه بود، درصدد کودتا بود. این گروگانگیری بفتح ملت ما بوده است و بی‌چون و چاه نباید تحت تأثیر شایعات داخلی و بین‌المللی قرار بگیریم.»

آخرین ناطق بعد از دستور جلسه دیروز، شهرکی، نماینده زابل بود، که در سخنان خود به تفرقه و تشمت بین مسئولان، که باعث شادی دشمن می‌شود، اشاره کرد و گفت:

«در شرایطی که سربازان ما، برادران پاسدار ما، پیشمرگان مسلمان ما، با رژیم مزدور عراق در حال مبارزه هستند، نباید این اختلافات کوچک مطرح شود.»

در پایان جلسه دیروز مجلس، دعوت‌نامه سپاه پاسداران انقلاب از نمایندگان مجلس برای بازدید از اردوی ارتش بیست‌سیلونی در اردوگاه قدس، قرائت شد. این جلسه در ساعت ۱۲ و ۱۰ دقیقه بعد از ظهر پایان یافت و ادامه بحث در مورد ترکیب کمیسیون ویژه رسیدگی به وضع گروگانهای جاسوس به روز پنجشنبه ساعت ۹ صبح موکول شد.



آموزش در افغانستان مجانی و اجباری شد

محمد یعقوبی معاون وزارت آموزش افغانستان در معاهده با روزنامه «راپوتنیسکو دلو» چاپ صوفیه گفت: در حال حاضر دولت انقلابی افغانستان وظیفه تبدیل نظام آموزشی به وسیله نیرومند اجرای اصلاحات دیمکراتیک در کشور و ساختمان جامعه عاری از استثمار را بپذیرد دنبال می‌کند.

وی گفت: نظام آموزشی جدید این امکان را فراهم می‌سازد که نوجوانان نه تنها در سطح کنونی تکامل اقتصادی - اجتماعی کشور، دانش بیاموزند، بلکه آموزش حرفه‌ای و فنی ویژه را نیز فراگیرند و احساس مسئولیت در قبال مین و خلق را در خود تقویت کنند.

بموجب فرمان شورای انقلاب آموزش ابتدائی اجباری و رایگان در کشور برقرار شد و در سال جاری شمار کودکانی که به کلاس اول می‌روند دو برابر کودکان قبل از انقلاب است. طبق برنامه مدونه در آینده شمار دانش‌آموزان افزایش یافته مدارس و تاسیسات آموزشی جدیدی ساخته می‌شود. همچنین قرار است يك دانشگاه مرکزی برای پیشبرد مبارات فنی آموزگاران و تربیت کادرهای برجسته آموزشی ساخته شود. برای جبران عقب‌ماندگی‌های عظیم موجود و غلبه بر مشکلات و منجمله فقدان تاسیسات لازم کشورهای سوسیالیستی کمک ارزنده‌ای به افغانستان میکنند. کارشناسان اتحاد شوروی، بلغارستان، جمهوری دموکراتیک آلمان، لهستان، چکسلواکی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در زمینه بهبود نظام آموزشی کمکهای قابل ملاحظه‌ای در اختیار افغانستان قرار میدهند.

مردم هند مداخلات ضیاءالحق را در کشورشان محکوم می‌کنند

مداخلات رژیم دست‌نشانده ضیاء الحق در امور داخلی هندبا خشم و نفرت مردم این کشور و مسلمانان راستین هند روبرو شده است. رهبران بسیاری از سازمان‌های اسلامی هند به رژیم ضیاءالحق اخطار کردند از مداخله در امور داخلی هند دست بردارند. این رهبران بویژه از قاجاق اسلحه از پاکستان به هند ابراز نگرانی کردند. رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق بدستور اربابان آمریکائی خودبه گروه‌های آشوبطلب و مسلمان‌نما در هند اسلحه تحویل داده و این گروه‌ها را به جنگ علیه دولت هند تحریک می‌کند.

«جبهه وحدت ملی شیلی» بعد از همه‌پرسی قلابی پینوشه اعلام کرد:

مبارزه برای سرنگونی رژیم فاشیستی شیلی ادامه دارد

«نمایش مسخره» پینوشه، جلاذ شیلی، که در اصل در واشنگتن تنظیم شده بود، با استهزاء و خشم خلق شیلی و همه خلق‌های آزادیخواه جهان روبرو شد. دارودسته نظامی فاشیست شیلی اعلام کرد که به اصطلاح قانون اساسی جدید کشور مورد تصویب قرار گرفته است (!) پینوشه از مدت‌ها پیش همه‌چیز را برای اجرای موفقیت‌آمیز نمایش، «آماده کرده» بود. از جمله یازده میلیون رفق رای چاپ شد و این درحالی است که جمع رای‌دهندگان در شیلی حدود ۸ میلیون نفر است (!)

اجراکنندگان نمایش در چند مورد خود را لو دادند. از جمله بلافاصله بعد از پایان رای‌گیری و تنها نیم‌ساعت بعد از باصطلاح قرائت آراء اعلام شد که قانون اساسی بتصویب رسیده است!

رژیم پینوشه از يك نقطه نظر دیگر نیز «محکم کاری» کرد. چند روز قبل از اجرای «نمایش»، رژیم در فرمانی اعلام کرد که هر کس در «هم‌پرسی» شرکت نکند به دوماه زندان و یا پرداخت صدو پنجاه دلار جریمه نقدی محکوم خواهد شد! هدف پینوشه آن بود که صف‌های طولانی در حوزه‌های رای‌گیری تشکیل دهد و بدین ترتیب، دست کم افکار عمومی جهان را بفریبد.

اما پینوشه و اربابان آمریکائی او در این راه، با شکستی فضاحت‌بار روبرو شدند. نه تنها مردم مبارز شیلی، بلکه تمام خلقهای جهان با تمسخر و خشم نسبت به «نمایش» پینوشه واکنش نشان دادند.

«جبهه وحدت ملی شیلی»، که به ابتکار حزب کمونیست شیلی تشکیل شده، اعلام کرد که پینوشه تلاش کرده است با برکناری این «نمایش» دیکتاتوری خود را قانونی کند. اما مردم شیلی تا سرنگون ساختن دارودسته فاشیستی حاکم بر کشور به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

گزارشهای چند روز اخیر در مورد تظاهرات گسترده در شیلی نشان می‌دهد که، دارودسته نظامی شیلی و اربابان آمریکایی وی مقتضیح شده‌اند. این فضاحت بیش از همه برای کارتر ناراحت‌کننده است، زیرا این مدافع سینه‌چاک «حقوق بشر» انتظار داشت که با اجرای این «نمایش»، حمایت از رژیم خون‌آشام شیلی را حمایت از يك رژیم قانونی (!) جلوه دهد.

فدراسیون سندیکائی جهانی سیاست تجاوزکارانه آمریکا را محکوم کرد

فدراسیون سندیکائی جهانی سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه و ایجاد پایگاه‌های آمریکائی در سومالی و عمان را محکوم کرد. این فدراسیون در تلگرام همبستگی برای کنفدراسیون عمومی کارگران بین جنوبی اعلام کرد کشورها و رژیم‌هایی که پایگاه نظامی در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار می‌دهند باید توبیا محکوم شوند. فدراسیون سندیکائی جهانی نگرانی عمیق خود را از وخامت اوضاع در اقیانوس هند، خلیج فارس و دریای سرخ که نتیجه تحریکات مسلحانه آمریکاست ابراز داشت. در تلگرام فدراسیون سندیکائی جهان اضافه شده است تدارکات نظامی آمریکا در منطقه تهدیدی برای صلح در جهان بوده و زمینه تجاوز علیه کشورهای خاورمیانه را فراهم میکند.

حزب کمونیست عراق رژیم صدام «سپین را محکوم میکند»

حزب کمونیست عراق توطئه‌های رژیم ضد خلقی صدام حسین را شدیداً محکوم کرد. عزیز محمد دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، در تلگرامی به حافظ‌اسد، رهبر سوریه، که در مطبوعات دمشق منتشر شده است، «دیکتاتوری متفوق حاکم بر عراق» را محکوم و اعلام کرد که رژیم عراق با نیروهای امپریالیستی، صیونیستی و ارتجاع همکاری می‌کند و قصد دارد از پشت به سوریه خنجر بزند.

در تلگرام آمده است که رژیم صدام حسین از باصطلاح ابتکار صلح کشورهای بازار مشترک و از پیمان خائنه کم‌دیوید حمایت می‌کند. در تلگرام همچنین ضمن اشاره به اقدام‌های خائنتکارانه رژیم یعنی عراق، تأکید شده است که این رژیم تلاش دارد منابع کشور را در خدمت امپریالیسم، صیونیسم و ارتجاع قرار دهد.

موافقت‌نامه شوروی و لهستان

در پی مذاکرات موفقیت‌آمیز میان هیئت‌های دولتی اقتصاد شوروی و لهستان در مورد مسائل اقتصادی، موافقت‌نامه‌ای در مسکو در زمینه تحویل محصولات غذایی و فرآورده‌های صنعتی اضافی به جمهوری خلق لهستان در سال ۱۹۸۰ به امضاء رسید. این موافقت‌نامه در مسکو میان معاون اول وزیر تجارت خارجی شوروی و وزیر تجارت خارجی شوروی و وزیر تجارت خارجی و اقتصاددریانی لهستان به امضاء رسید.





# قانون کار را در مورد نانواییهای تبریز اجرا کنید



در شهر تبریز ۳۵ نانوائی وجود دارد و در هر یک از آنها ۳ تا ۶ کارگر مشغول به کار هستند. این کارگزاران اولین ساعت روز و قبل از طلوع آفتاب تا غروب، در کنار گرمای طاقت فرمای تنورهای - نانوائی کار می کنند. با این حال آنها نه تنها از حداقل امکانات رفاهی و ایمنی برخوردار نیستند، بلکه حتی حقوقی کمتر از مقدار تعیین شده در قانون کار دریافت می کنند. ( حداقل حقوق طبق قانون کار برای هر کارگر ساده ۶۳۵ ریال است )  
در نانوائی ها بیمه، بهداشت، حق مسکن، حق اولاد و دیگر امکانات رفاهی و ایمنی وجود ندارد و هر روز که کارگران به علت بیماری و یا دیگر مشکلات زندگی نتوانند کار کنند، آن روز را بدون حقوق می مانند. حقوق روزهای تعطیل نیز به آن ها تعلق نمی گیرد.

برای آشنایی بیشتر با مشکلات کارگران، به چند نانوائی سر زدید، تا کارگران خودشان درد ها و کمبودهاشان را بیان کنند و خواسته های به حق خود را ابراز دارند.  
ابتدا سری به یک نانوائی سنگگی در خیابان طلسین می زنیم. اکبر نور محمدی، کارگر این - نانوائی می گوید:

" ۲۵ سال است که ساظم. می دانید یعنی چه؟ یعنی ۲۵ سال است که هر روز ۱۴ ساعت سرانگاران این کوره کار می کنم. زندگی در کنار همین کوره ها از بین رفته است. دیگر پیر شده ام. روزانه ۴۵ تا ۵۰ تومان حقوق می گیرم، که با این وضع سرسام آور - گرانی، به هیچ جای زندگی نمی رسد، اگر روزی یکی از افراد خانواده مان مرخص بشود، دیگر کارمان زار است. سخنانش را چنین ادامه می دهد:

" مثل اینکه ما کارگران نانوائی کارگر نیستیم، چون تا کنون هیچیک از مزایای قانون کار در مورد ما اجرا نشده است. بیمه نیستیم. از حداقل حقوق، یعنی ۶۳۵ ریال استفاده نمی کنیم. حقوق روزهای تعطیل در مورد ما مدق نمی کنند. از حق اولاد و مسکن و پایان کار و غیره نیز خبری نیست. تا کنون بارها به اداره کار و فرمانداری مراجعه کرده ایم، ولی کسی برای رسیدگی به کار ما پیدا نشده است. هر چه شکایت کرده ایم، در فرمانداری بایگانی شده است و خاک می خورد. معلوم نیست چند سال دیگر، که کاملا از کار افتادیم، چه خواهد شد؟"

فوجلی نوری، کارگر دیگر این سنگگی، در - باره سندیکا می گوید:  
" در زمان طاغوت سندیکایی داشتیم که بعد از انقلاب تصمیم گرفتیم دو باره آن را تشکیل دهیم و به جای نماینده طاغوتی، نماینده واقعی خودمان را انتخاب کنیم. ولی فرمانداری مخالفت کرد و گفت همان نماینده قبلی بهتر است سرجایش باشد. من نمی دانم وقتی امام می گوید افراد طاغوتی باید بروند و ما می گوئیم احتیاج به افراد طاغوتی نداریم، چرا مقامات مسئول می گویند نه. نتیجه این کار آن شد که نزدیک به ۵۰ کارگر سنگگی هیچ وضع ثابتی ندارند. نه حقوق درست و حسابی می گیرند و نه از مزایای قانونی استفاده می کنند. من خودم دوتا بچه دارم، که به علت کمی حقوق نتوانستم خرج تحصیلشان را بدهم و آنها را به مدرسه بفرستم."



کارگران نانوائی تبریز

از سنگگی بیرون می آیم و سری به لوانی زیدها می زنیم. به سخنانسان گویی می دهیم و مشکلاتشان را خوب می نویسم. این کارگران بیشتر از روستاهای اطراف، به علت ندانستن زمین و وضع ناسامان روستا به امید یافتن کار، به نانوائیها کشانده شده اند. محمود، یکی از کارگران لوانی بز، که ۱۶ سال دارد، می گوید:

" چون در ده زمین نداشتیم و امکانات زندگی برپایان وجود نداشت، به همراه خانواده به سهر آمدم. تا سال گذشته پدرم کار می کرد و من می - توانستم به مدرسه بروم. ولی اکنون پدرم مرخص و خانه نشین شده است. پس از مرخصی پدرم، من ناچار شدم مدرسه را رها کرده کار کنم. حالا در اینجا، در مقابل ۱۲ تا ۱۴ ساعت کار، حدود ۳۵ تا ۴۰ تومان ( در ازای هر گونی آرد ) می گیرم، که با این بزور با بخور و نمیر زندگی می کنیم. رحیم، ناظر لوانی بز، در ادامه حرفهای دوستش می گوید:

" خلاصه کنیم، از صبح تا غروب کار می کنیم، در حالی که حقوقمان بول یک کیلو گوشت هم نمیشود بچه های خودم، ماهی یکبار هم که شده، رنگ - گوشت را نمی بینند. از باره سندیکایی پرسیم. می گوید:  
" سندیکای کارگران لوانی بز بعد از انقلاب تشکیل شد. ولی عملا به علت مشکلاتی که در پیش بود، نتوانست کاری از پیش ببرد.

در باره زندگی خودش می رسیم. می گوید:  
" وضع ما را که خودتان می بینید. ۱۲ سال است که صبح زود می آیم و غروب خسته و کوفته به خانه می رویم. گردن و تفریح و استراحت هم مثل این که برپایان حرام است. برای بدست آوردن خرج خانواده مجبوریم هر چه بیشتر کار کنیم، و هر روزی که کار نکنیم از حقوق خبری نیست. مثلا خود من چند روز پیش شیشه پایم را برید، ولی با این حال می بینید که اینجا در حال کار کردن هستم."

به سراغ کارگران "کوفته بز" (بربری) می رویم. در اینجا حقوق اندکی بالاتر است و کارگران به طور متوسط روزی ۸۰ تومان می گیرند. دردهای اینها نیز مشابه دیگر کارگران است. مشکلاتشان همان مشکلاتی است که دیگران مطرح کرده بودند.  
محبوب میرزا محمد، صاحب فازه، که خود نیز در آنجا کار می کند، در باره سندیکایی می گوید:  
" کارگران "کوفته بز" سندیکایی خود را تشکیل داده اند، ولی عملا کاری از سندیکا بر - نمی آید. موانع زیادی بر سر راه سندیکای وجود دارد، که اول باید آنها را از بین برد."

میر محمد، یکی دیگر از کارگران این نانوائی، در مورد مشکلاتش چنین می گوید:  
" دردها و خواسته های همه ما یکی است. نهایت آرزوی ما اینست که زندگیمان تا همین شود فرزندمان بتواند با خیال راحت درس بخواند، روی همین اصل است که می پرسیم: مگر فرق بین ما و کارگران کارخانه ها چیست؟ چرا ما باید همیشه در این فکر باشیم که اگر فردا از کار افتادیم، چه بلایی بر سر ما می آید؟ ما از دولت می خواهیم که به این دردمان برسد. حداقل با تشکیل تعاونی ها ما را به استخدام خود درآورد.  
این حداقل خواست کارگران است. باید به مشکلات و نارسائی های موجود در زمینه کار این - کارگران توجه کرد و در راه رفع آنها کوشید. کارگران نمی خواهند و نباید در شرایط قبل از انقلاب زندگی کنند. برتو انقلاب باید گرمابخش زندگیشان باشد.

## حقوق عقب افتاده کارگران باید پرداخت گردد

شرکت بعیم، در ۱۰ کیلومتری شیراز نزدیک پالایشگاه قرار دارد. این شرکت در حال احداث یک انبار برای شرکت کود شیمیائی است.  
روز سه شنبه ۵۹/۶/۱۱ بین از ۴۰ تن از کارگران این شرکت بطور دستجمعی به اداره کار - مراجعه کردند و خواهان آن شدند که حقوق ۳ ماه آنان، که متوسط عیاش فرد ( بیمانکار شرکت) پرداخت نشده، پرداخت گردد.  
این کارگران، که در میان آنان نوجوانان کم سن و سال نیز به چشم می خوردند، می گویند:  
" ۳ ماه هست که پولی به ما ندادند و کارفرما ۲۰ روز است که به تهران رفته و دیگر بیدایش نیست و مجبوریم گرسنگی بکشیم، چون دیگر هیچ سولی در اختیار نداریم. اداره کار قول داده است که اگر کارفرما حقوقشان را پرداخت نکند، توسط داد گاه انقلاب، اموال وی را بفرستد و حقوق ما را از آن طریق پرداخت کند"

## کارگران کوره پز خانه زرین خاک ارومیه: محروم از همه چیز



زرین خاک اسم کوره پزخانه های است که در ۱۲ کیلومتری سهر ارومیه، در جاده انهر واقع است. اسم زیبایی دارد، ولی آنچه مسلم است، خاک این کوره پزخانه زرین نیست، بلکه دستهای کوچک و بر توان کارگران خردسالی که در آنجا کار می کنند، زرین است. کارگرانی که از بام تا شام با کار طاقت فرسای حویس مرعوبست خاک را صندچندان و با صد هزار آجری که هر روز در این کوره تولید می کنند، برای صاحبان در واقع زرتولید می کنند. و اورا چه باک که کارگر کجا و چطور زندگی می کند؟ کارگر قالبکاری در این مسورد می گوید:

" به هریک از ما، یعنی هر خانوار اتاقکهایی داده اند که به غیر از حیوان هیچکس نمی تواند در آن زندگی کند. اتاقکهایی که پر است از حشرات کزننده و حیوانات سم دار.  
وی در مورد کارگران این کوره پزخانه می گوید:  
" حدود ۴۰ خانوار در اینجا کار می کنند، که در ازای تولید هر هزار آجر ۱۰۰ تومان دستمزد دریافت می دارند. به کوره چینیهای این کوره برای هر هزار عدد آجر ۹ تومان و به چرخ کشها برای هر هزار عدد آجر ۲۷ تومان دستمزد پرداخت میشود.

یکی دیگر از کارگران، که مشغول کل تیرری و تازانودر گل فرورفته بود، با جبهه های که خطوط رنج و آندوه سالیان دراز در آن نهفته است، می گوید:  
" کارگران کوره پزخانه بد بخت ترین کارگران هستند، چون هیچ چیز در زندگی ندارند. یکی دیگر از کارگران در ادامه حرفهای دوستش می گوید:

" می بینید، همه اش کار. زمانی که کسار را شروع می کنیم، ستارگان هنوز در آسمان هستند و غروب وقتی کار تعطیل می کنیم، که هوا تاریک شده و ستارگان دوباره نمایان می گردند. این زندگی ما است. کارگران خردسال بخش عمده ای از این کارگران را تشکیل می دهند، که به همراه خانواده در بی نان به این مکانها کشیده شده اند. رحمان، یکی از کارگران است که می گوید:  
" ۱۰ ساله هستم. تا کلاس چهارم درس خوانده ام."

رحمان، در حالیکه غربال را سوزور در دستان کوچک و زمختش نگاه داشته و مشغول الک کردن خاک بود، ادامه می دهد:  
" من نیز مثل دیگر کارگران از صبح صحر تا شب کار می کنم. اغلب کارگران این کوره پزخانه از شهرهای اطراف به اینجا آمده اند و بیشترشان نیز کرد هستند. یکی از کارگران در این مورد می گوید:

## کارگران ساختمانی مهاجر: از دولت می خواهیم که به ما زمین بدهد

به محلی که بیشتر کارگرهای ساختمانی سمنان تجمع می کنند، رفتیم. کارگران زیادی جمع شده بودند. عده ای نشسته بودند و با همدیگر صحبت می کردند. چند نفر دیگر در پیاده رو دراز کشیده بودند از بیغوله های کنار خیابان تعداد دیگری از کارگران به طرف اجتماع کارگران می آمدند. چهره های آنها پاف کرده و بی حال و نشان دهنده خستگی مفرط آن ها بود.

تعداد این قبیل کارگران، که از سهرهای دیگر آمده اند، تا کارگر بیاوروند، در شهر سمنان زیاد است. آنها در شرایط سختی زندگی می کنند. شبها رایادر کونه خیابانها می ندرانند، و در کوفته خانها و یا در خانه هایی که قابل سکونت نیست.  
این کارگران از سیستان، مازندران و کردستان به سمنان آمده اند، تا کارگر بیاوروند. اکثر آنها قبلا کشاورز بوده اند. ولی در اثر فقر و بیکاری مجبور شده اند به شهرها مهاجرت کنند، تا بتوانند زندگی خانواده خود را بسازند.

آنها وقتی وارد یک سهر می شوند، مدتی باید بکاری بکشند تا کارگیرشان بیاید. امکان هم دارد که اصلا کارگیرشان نیاید. آن وقت است که به سهر دیگری می روند. بیشتر این کارگرها به وسیله شرکت های ساختمانی به کار گرفته می شوند و از آنجا که این کارگران ساکن سمنان نیستند، صاحبان شرکت ها، از این جریان سوء استفاده می کنند و با دستمزد کمتر و کار بیشتر آنها را به کار می گیرند.  
این کارگران از هیچگونه مزایای قانونی کاربر - خوردار نیستند. با چند نفر از کارگران به گفتگو نشستیم. یکی از کارگران به نام غلامعلی حقیقی، گفت:

" من اهل آزاد شهر هستم. قبلا کشاورز بودم زمین داران زمینهای ما را گرفتند و ما را فراری دادند. او می گفت:  
" روزی ۱۰ ساعت کار می کنم و در ازای آن ۸۵

" ما از طرف نقده به این جهنم آمده ایم. جنگ و برادر کشی که توسط سرما پیدا را نوضدا نقلا بیون در نقده ایجاد شد، باعث شده که ما نیز خانه و کاشانه خویش را رها کرده به اینجا بیائیم. در اینجا جهنم که می بینید، هیچ چیز نداریم. هیچ مزایای قانونی به ما تعلق نمی گیرد. از حق اولاد بگیرتا بیمه و غیره، انکار اصلا کارگر نیستیم."

البته بیشتر این کارگران در انتظار داشتن زمین و امکانات دیگر زندگی مجبور به ترک دیوار خویش شده اند و سگی نیست که بمحض اینکه امکانات برایشان در روستا و شهر خویش از قبیل زمین و غیره فراهم شد، به آنجا بر می گردند و دیگر مجبور به چنین مهاجرتی نمی شوند.

از کارگران می خواهیم که از انتظارانشان و خواسته های که از انقلاب دارند، برپایان صحبت کنند. در مقابل این سوال، کارگری بنام عزیز، فقط کلمه "انتظار" را تکرار می کند. او که ۵۲ سال سن دارد، انگار تمام وجودش را در ادای عین یک کلمه تکرار می کند و تمام سکت می ماند. یکی دیگر از کارگران می گوید:

وکیف، مالول از همه این است که متشکل بشویم، که نیستیم. اگر سندیکا و یا اتحادیه ای تشکیل بدهیم، بوسیله آن میتوانیم خواسته هایمان را مقابل دولت مطرح کنیم.

الی ۹۰ تومان دستمزد به ما می دهند. ولی با ۸۵ تومان نمی توانیم زندگی خود را پیش ببریم. از دولت می خواهیم که به وضع ما رسیدگی کند تا از این بند بختی نجات یابیم.  
از او پرسیدیم: شما از دولت چه می خواهید؟

گفت:  
" زمینها را باید به ما بدهند، تا ما برگردیم به محل زندگی خودمان."  
او اضافه کرد: " ما از امام می خواهیم که دستور بدهد تا زمینها را به ما بدهند."  
با کارگر دیگری به نام رضا بهلولانی صحبت کردیم. او گفت:  
" ۱۵ سال سن دارم و در سهر خودم کشاورزی می کرده ام، ولی در اثر سیاست های غلط رژیم سابق مجبور شدم به اینجا بیایم تا کارگری کنم. در اینجا به من روزی ۷۰ الی ۷۵ تومان دستمزد می دهند."

از او پرسیدیم: سواد داری؟ گفت:  
" نتوانستم درس بخوانم، چون وضع خانواده ما طوری بود که می بایست کار می کردم و خرج آنها را می دادم."

کارگر دیگری به نام سید احمد بیلوانی می - گفت:  
" تا هی اوقات کار برپایان نیاید، برنامه مشخصی نداریم. اگر یک روز کار نکنیم، پولی نداریم که بتوانیم شکم خود را سیر کنیم."

عیسی بودینه، یکی از کارگران می گوید:  
" با این دستمزد نمی شود ۱ کیلو گوشت خرید. قیمت جنس ها خیلی بالا است، ولی دستمزد ما به هیچوجه با قیمت ها برابر نیست.  
باید نرخ نسیان را از نمره انقلاب برخوردار ساخت. آنها بودند که رژیم دیکتاتوری را سرنگون کردند، و لذا به حق انتظار دارند که جمهوری - اسلامی ایران خواست های آنها را برآورده سازد. باست با سیاست های اصولی و انقلابی خود، کیخ - نسیان را نسبت به انقلاب امدوار خود.



کارگران بیکار ساختمانی سمنان



گردی به روستا

روستای شول (بندامیر)

روستای شول، در منطقه مرودشت، دریاچه رودخانه کرو و ۳ کیلومتری بندامیر واقع است. در اطراف این روستا تاجسم کار میکند دشت های وسیع وجود دارد. در این روستا در حدود ۲۵۰ خانوار (۱۰۰۰ نفر) زندگی می کنند. وضع ده از این قرار است:

بهداشتی و آب

در این روستا درمانگاه وجود ندارد. روستا-نیان بیمار باید به درمانگاه بندامیر جهت مداوا رجوع کنند. جمعیت این دوروستا زیاد است و درمانگاه یک روز در میان و فقط ۲ ساعت بیماراران را مداوا می کند.

در اطراف این روستا آبگیر کوچکی وجود دارد، که بهترین محل رشد انواع حشرات، بویژه بیه مالاریاست. برای اینکه روستائیان بویله این حشرات بیمار نشوند، بایستی سطح این آبگیرها همواره هم یاتی شوند.

بعد از انقلاب، روستائیان با کمک یکدیگر (۶ خانوار ۱۰۰۰ تومان) بر روی حشمه ای که در نزدیکی روستا قرار دارد، موتور و منبع آب نصب کردند و آب آنرا بوسیله لوله کشی به منازل می رسانند.

روستائیان بندامیر نیز از این حشمه استفاده می کنند. به علت کم بودن قدرت موتور و جمعیت زیاد این دوروستا، آب بمقدار کافی به خانه ها نمیرسد. آموزششی

در این روستا دبستان کوچکی وجود دارد. دو نفر آموزگار، کارسوادآموزی روستائیان را عهده دارند و از کلاس اول تا پنجم را تدریس میکنند. در ایس روستا کلاس شبانه نیز دایر است. علت مقرروستائیان، عده کمی در این دبستان تحصیل می کنند. تالیساتی و سازمان ها

در این روستا شرکت تعاونی وجود دارد، که میتواند نیاز روستائیان را برطرف کند. ولی این شرکت چندان فعال نیست. همچنین انجمن ده سیز در روستا وجود دارد، که نمایندگان آن همان نمایندگان دوران طاغوت هستند. از دست سبادهای انقلابی کم نگذارد تا با انتخابات جدید تشکیل شورای ده، این مسئله، بنحوی ساسته انقلاب حل شود. این روستا برق ندارد. با توجه به اینکه کابل برق از نزدیکی روستای امیر آباد می گذرد، با صرف هزینه کمی، میسود به این روستا برق کشید. اقتصادی

از ۲۵۰ خانوار این روستا در حدود ۶۰ خانوار خوشنشین هستند. بقیه آنها خرده مالک و کم زمین هستند. در اطراف این روستا، یکی از زمینداران این منطقه، در حدود ۳۰۰ هکتار زمین و یک دامپروری مجهز در یک کیلومتری روستا دارد. خوشنشینان این روستا بر روی زمین های بزرگ مالک و زمینداران بزرگ روستای بندامیر کار می کنند.

خوشنشینان و کم زمین ها هنوز نتوانسته اند سر روی زمین های مالک بزرگ، "ساع" ایجاد و قانون را اجرا کنند. آنها از گران بودن کود شیمیایی نا راضی هستند. آنها کود شیمیایی را از شرکت تعاونی کبسه ای ۶ تومان خریداری می کنند. محصولات عمده این روستا گندم و بیاض است. گندم برای بر طرف کردن نیازهای روستائیان کشت می شود.

در فصل برداشت محصول روستائیان، از کمابین داران مرودشت، کمابین اجاره می کنند. سال گذشته برای هر هکتار، کمابین داران ۲۵۰۰ ریال مطالبه می کردند. یکی از سازکاران در مورد محصول بیاض چنین می گوید:

"یکی از سخت ترین کارها کست بیاض است. باید هر روز از صبح تا شام بر روی زمین عرق بریزیم، و زیر آفتاب سوزان کار کنیم، تا محصول با یکدین سیره جانمان عمل بیاید. آنوقت باید محصول را به سهر ببریم و دوستی تقدیم واسطه های سهری کنیم، تا از هر طریق که دلشان خواست، بر روی دهه اول قیمت بگذارند، واسطه ها دسترنج ما را غارت می کنند." در اطراف این روستا زمینهای وابسته به سازمان محیط زیست وجود دارد، یکی از روستائیان در این مورد می گوید:

"شاه اینجا زمین داشت و پدر ما را درمی آورد. ما حق ندیشیم به این زمینها نزدیک شویم. ژاندارم ها ما را می گرفتند و زندانی میکردند و در بسیاری مواقع ما را کتک می زدند و ما حق حرف زدن نداشتیم. وضع ناسامان روستا نتیجه سه کاری های رژیم سابق است. رژیم طاغوت با وابسته کردن کشاورزی به انحصارات امپریالیستی، بزرگترین ضربه را به امر کشاورزی و روستاها وارد آورد. البته از میان برداشتن این آثار شوم، محتاج به زمان است، ولی آنچه که میتواند در حال حاضر مفید به حال انقلاب و روستائیان باشد میتواند فوراً انجام گیرد، در وهله اول، اجرای بیگتر قانون اصلاحات ارضی و کوتاه کردن دست بزرگ مالکان است. سپس طرح برنامه های مشخص کوتاه مدت و دراز مدت جهت به سازی و نوسازی روستاهاست، که باید همزمان با اجرای قانون عملی شود. تنها از این طریق است که میتوان به وضع ناسامان کشاورزی و روستاها سرور سامان داد و دهقانان را به انقلاب و دستاوردهای آن امیدوار کرد و رگانه های ضد انقلاب را که، بزرگ مالکان ایجاد میکنند، درهم گوید.

برویکرومان زخمهای شکنجه نشسته است



چغانرگس - زندگی در کنار تاپاله ها و در گل و شل زیر فشار همیشگی مالک بزرگ، تاکی باید ادامه یابد؟

برای آشنایی با مسائل روستائیان چغانرگس در بخش ماهیدشت، به این روستا می رویم و می بینیم. دل چند تن از روستائیان بی نشینیم. چغانرگس روستائیان از توابع استان کرمانشاهان و جمعیت آن در حدود ۱۰۰ خانوار است. در این روستا ۷۰۰ هکتار زمین در اختیار دهقانان است، که تسمتی از آنها زیرکشت و تسمتی از زمینها سر است.

۱۰۵۰ هکتار زمین در مالکیت یک مالک بزرگ و سرمایه دار است. علاوه بر این، مالک مذکور در روستاهای منطقه، سنجایی، گورگ آبی، زالو و، و سیه سیه چندین ملک دارد و همچنین چندین ساختمان و نمایندگی فروش تراکتور و تعدادی از سهام کارخانه سیان در شهر نیز در مالکیت اوست.

به گفته اهالی در این روستا، امکانات زیادی برای دامداری وجود دارد، ولی به علت کمبود دام تنها دامداری نمی تواند جوابگوی نیازهای آنها باشد. اهالی برای بهبود وضع دامداری اقدام به گرفتن وام کرده اند. اما وام را در صورت تاسیس دامداری مدرن در اختیار آنها قرار می دهند، که این امر از عهده آنها خارج است. بیش از ۶۵۰ هکتار زمین این روستا بایر است و دادگاه انقلاب هم گفته، تا تشکیل هیئت نفی از کست این زمینها خودداری شود. اهالی نیز برای جلوگیری از هرگونه تفریق زمینها را کست نگردانند. صنایع چگونه صنعت دستی در این روستا تولید نمی شود.

مشکلات و خواست های روستائیان

برای آشنا شدن با مشکلات و خواستهای اهالی این روستا، نای صحبت چند نفر از آنها می نشینیم. در مورد بزرگ مالک نعلی، از یکی از روستائیان سوال می کنیم. می گوید: "از ظلمهای مالک فقط یک گوشه از آن را شرح می دهم. حدود هفت سال پیش برای این ده تیربوق، کسیدند، که یازده تیر آن از زمینهای مالک ردمی-تند. اما مالک خودسرانه این جویها را از زمین در آورد. بهمین علت در دوران رژیم سابق ما به مراجع مسئول شکایت کردیم، اما مالک ده به کمک عوامل خود ۵۴ مسلح استخدام کرد، که رهبر این آدمها دو پسرش بودند.

در دوران انقلاب این تفنگداران شبانه روزی برای اهالی ده مزاحمت فراهم می کردند، جلوی گوسفندان ما را می گرفتند، حق عبور از زمینهای مالک را به اهالی نمی دادند و نظیر این کارها، تا زمانی که انقلاب بیروز شد. مالک، تفنگداران را با هزینه خودش در ده نگهداشت. به دستور مالک لوله های آب روستا را بریدند. منبع آبی که آب آشامیدنی روستا را تامین می کرد، خراب کردند. بسیاری از لوله ها را زدند و جویهای آبی، که از روستاهای اطراف (سنگتراش - نورپور) برای شرب کردن روستایی آمد، خراب کردند. علاوه بر این کارها، مالک در برابر هر فعالیتی که به خاطر احقاق خواست های دهقانان صورت گیرد، دهقانان را شکنجه می دهد. از جمله، سال گذشته فردی را به نام حسن، که از اهالی ده سنگتراش بود، در قلعه شکنجه کرد و او را عوب زد. این روستائی افزود:

"مالک در میان قلعه برای خود شکنجه گاه می درست کرده بود. این شکنجه گاه آب انباری به طول ۵ متر بود که دهقانان را برای شکنجه چندین روز در این آب انبار زندانی می کرد. از جمله یکی از اهالی همین ده، که شکنجه شده بود، "علی یاور قاسمی" بود، که حدود ۵ روز در آب انبار زندانی شد و بعد از آزادی بر اثر بیماری درگذشت. روستائی دیگری به نام "برائیلی روزگرد" نیز دو روز در آب انبار شکنجه شده بود. روستائیان زیادی هستند که در همین آب انبار زندانی بوده اند.

از همین دهقان سوال می شود که: مالک قبلی چگونه این همه زمین بدست آورده است؟ وی جواب می دهد:

"قبل از تقسیم اراضی رژیم گذشته، مالک ۵ جفت زمین، یعنی ۵۰ خرواکال و مکال و ۱۰۰ هکتار - زمین زیر کاشت داشت، که بنا به ادعای خود او، به صورت مکانیزه کشت می شد. در سال ۴۱ برادر این فرد، که افسراست، همراه با یک نفر مهندس کشاورزی و چهار کامیون ژاندارم از ده گواران به این ده آمدند و بدون دخالت ما، ۱۰۵۰ هکتار از بهترین زمین های روستا را برای مالک و ۷۰۰ هکتار را برای اهالی تقسیم کردند. سپس صورتجلسه را آوردند و ما را به زور وادار کردند که پای آنرا انگشت بزنیم و بعد از مدتی زمینها را به مالک فلفلی فروخت."

دهقان دیگری، که از قیافه اش رنج و زحمت می بارید، در مورد سهمیه زمین می گوید: "سهمیه زمینی که بهر یک از اهالی تعلق دارد، کفاف هزینه زندگی آنها را نمی دهد."

این دهقان نیز در مورد ظلم های مالک می گوید: "علی یاور قاسمی، که از خشم مالک و تهدید او چند روزی پنهان شده بود، به کمک اهالی توانست فرار کند و بعد از سه ماه که بازگشت، بر اثر رنج و سختی های زیاد درگذشت. بزرگ مالک قبلی ۷۰ - هکتار زمین را، به ساواک برای ایجاد پایگاه جاسوسی واگذار کرده بود."

یکی از دهقانان، که عضو شورای ده است، در باره ظلم های مالک می گوید: "او راههایی که روستا را به جاده اصلی متصل می کرد، خراب کرد، سه راه بود که ده را به جاده اصلی وصل می کرد، چون این راهها از وسط زمین های او می گذشت، هر سه جاده را خراب کرد و این ارتباط جاده عملا با جاده اصلی قطع شده است. او لوله کس آب را نیز قطع و منبع آب را نیز متلاشی کرد. هدایت خدادوستی یکی دیگر از اعضای شورای ده می گوید:

"سال پیش به دادگاه انقلاب و دفتر امام علیه مالک شکایت کردیم و از همان زمان آزار و اذیت مالک بر روستائیان بیشتر شد. از اقداماتی که در این زمینه صورت گرفت، این بود که، فرمانده گروهان ژاندارمری برای رسیدگی به روستا آمد، اما با وجود دیدن افراد مسلح مالک بزرگ در قلعه و شهادت روستائیان در مورد ظلم مالک، به دادخواهی اهالی (نمی دانم به چه دلیل) توجهی نکرد. ما هم مرتب شکایت می کنیم و مالک بزرگ هر روز ظلم بیشتری به روستائیان می کند. از کارهای دیگر افراد مسلح این است که در جاده های اطراف ده راهزنی می کنند. برای مثال - چندین قبیل جلو یکی از اهالی به نام ابراهیم رحیمی را گرفتند و هر چه همراهش بود، بردند. حتی -

برونده این سرقت نیز هست. در اسفند ماه سال گذشته اهالی برای شکایت به دادگستری کرمانشاه رفتند، اما در آنجا چند نفر با جفاک و اسلحه سرد، به سردستی برادر مالک بزرگ، به اهالی حمله کردند، چند نفر زخمی شدند و با دخالت ساه پاسداران قضیه پایان گرفت. در رابطه با این حمله، چند نفر دستگیر شدند ولی همه آنها با دخالت مالک و برادرش آزاد شدند. و اکنون مالک، مانند مار زخم خورده، هر روز آزار و اذیت بیشتری روا می دارد."

یکی دیگر از اهالی می گوید: "در حال حاضر تمام زندگی ما از وحشت و ترس بر است. حتی شهر رفتن برای ما خطرناک و ترسناک است. اگر بچه های ما مریض شوند، جرئت این که آنها را به دکتر ببریم نداریم."

این نمونه ای از وضع دهات ایران است، که دهقانان زحمتکش ما، در آنها سرکشته ترین شرایط ممکن مشغول تولید هستند. این وضع روستاها و این اعمال مالکان، ناپسته جامعه بعد از انقلاب ایران نیست. دولت انقلاب باید هر چه زودتر با انجام قاطع و صحیح قانون اصلاحات ارضی به نفع دهقانان تهبست و رسیدگی به وضع دهات، دهقانان را از زیر ظلم و ستم این زورگویان بهره کش رهایی بخشد. همچنین کمک به دامداران کوچک برای اعتلای سطح تولید آنها ضروری است. ولی قبل از هر چیز باید بزرگ مالکی، این رژیم خوارسفره طاغوت، این همکار ساواک، این پایگاه امپریالیسم و دشمن خوبی مردم زحمتکش را از بین برد.

دهقانان کم زمین

وبی زمین!

باتشکیل کمیته های خود

و باتکیه به پاسداران متعهد

و افراد سوز جهاد سازندگی،

به مسئولان دولتی کمک کنید،

تاقانون اصلاحات ارضی

سر بیا و بسود شما اجر اشود

روستای خلار و مشکلاتش

روستای خلار در ۶ کیلومتری شیراز قرار دارد. این روستا را کوره راهی به جاده شیراز یاسوج وصل می کند، که در برخی نقاط برای چهارپایان نیز عبور از آن مشکل است.

این روستا قبلا یکی از آباد ترین روستا های اطراف بوده است، ولی در نتیجه سیاست ضد - دهقانی رژیم سابق، از ۳۰۰ خانوار دهقان، در حال حاضر ۵۰ خانوار باقی مانده اند. مهاجرت خانمان برانداز روستایی، نداشتن زمین و ستم مالکان بوده است.

چهره روستای خلار رافخانه های دهقانی خشت و گلی و کوچه های تنگ و ملو از تپاله و گرد و خاک مشخص می سازد.

زمین های زراعتی این روستا قبل "اصلاحات ارضی شاهانه" توسط مالکان و به مدت ۳ سال از دولت سابق اجاره می شود در نتیجه استثمار مضاعفی برای دهقانان وجود داشت. در جریان "اصلاحات ارضی" به هر خانوار روستایی حدود ۲ هکتار زمین زراعتی تعلق گرفت. چون به بسیاری از دهقانان زمینی تعلق نگرفته بود و ناگافی بودن زمین برای بقیه، علت کوچ سریع و آوارگی روستائیان شد. محصول عمده این روستا گندم است، که به صورت دیم کشت می شود. بنا به اظهارات روستائیان متأسفانه بر اثر کمبود باران، محصول امسال خوب نیست.

دهقانان برای شخم زمین شان باید تراکتور کرایه کنند، که برای هر هکتار (زمین دیمی) ۸۰ - ۹۰ تومان اجرت می دهند و برای دروی گندم صاحبان کمابین برای هر هکتار ۱۵۰ - ۱۶۰ تومان اجرت می گیرند.

آقای کشاورز، دهقان فعال و پرشوری که برای چند سالی کاو و گوسفند خود مشغول کندن کنگر بود، اظهار می داشت:

"در رژیم سابق با هزار دردر توانستم ۲ - هکتار زمین بدست آورم، اما برای این ۲ هکتار ۱۰ هزار تومان پول خرج کردم. الان هم روی این زمین کار می کنم. گرچه درآمدی ندارد، ولی من حاضر نیستم به سهر بروم و کار اینجا را رها کنم. هزینه خیلی گران است. کرایه تراکتور و کمابین زیاد است. اینها را باید دولت برای ما فراهم کند. به دستور امام هر چه دستمان رسید، کاشتیم، اما زراعت دیمی که فایده ندارد. تازه گندم را مگر منی چند می خرند؟"

در دامنه تپه ها کشت انگور (به صورت محدود) نیز رایج است.

وضع بهداشت و آموزش و تالیسات ضروری زندگی، یکی دیگر از علل مهاجرت روستائیان در نتیجه رکود کشاورزی است.

دهقانان با کمک خود بنای یک در مانگاه را ایجاد کرده اند، ولی هنوز از دکتر و دارو خبری نیست و به قول روستائیان: "آیا باید به ساختمان خالی درمانگاه دل خوش بود؟"

این روستا دارای یک باب دبستان (تاکلاس بنجم ابتدائی) است، ولی معلم بطور مرتب در سرکار خود حاضر نمی شوند و امسال هم تعدادی - دانش آموز در کلاس ها روزه شده اند. یکی از روستائیان می گوید:

"وقتی خوب تدریس نکرده اند، چاه انتظاری دارند که دانش آموز در سن راه خوبی یاد گرفته باشد و از عهده امتحان بپراید؟"

این روستا فاقد برق است و تاکنون در این زمینه اقدامی نشده است. آب آشامیدنی را خود روستائیان به منازل لوله کشی کرده اند، ولی روستا فاقد حمام است. در خانه باید گفت که، آب یکی از مهمترین مسائل این روستاست. دهقانان زحمتکش این روستا خود واقفند که، اگر زمین های دیمی خود را زیرکشت آبی ببرند، به مراتب محصول بیشتری به دست خواهند آورد.

پس حفر جاهای عمیق و نیمه عمیق و همچنین تکمیل کردن جاهی که نیمه تمام مانده است، ضرورت فوری دارد و باید در این زمینه اقدام کرد. ده خلار امکان دارد آباد سرسبز و پربرکت باشد. اگر رژیم شاه سابق کاری کرد که از ۳۰۰ خانوار دهقانی تنها ۵۰ خانوار باقی بمانند، دولت انقلاب باید با تشویق تعاونی بر زمین مشاع و دادن وسایل کار و تولید و تامین آب و بدر و کود و تراکتور از طریق همان "مراکز خدمات کشاورزی"، کاری کند که رونق و آبادی به این ده بازگردد.

بوقر از باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی

و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

در مطبوعات کشور

توطئه جدید آمریکا علیه ایران

یک روزنامه صدامی کارگران چاپ بیرون فاش کرد که آمریکا عملیات جدیدی علیه ایران تدارک می بیند، این روزنامه فاش ساخت که این عملیات نظامی جدید نام رمز "ب-۲۷" را بر خود دارد.

مقام کراهی تاکید کرد که رئیس بخش جاسوسی آمریکا در این ملاقات از وی خواسته است که به عوامل جاسوسی کوه جنوبی که هم الان در تهران اقامت دارند دستور دهد آمریکا را در عملیات جدیدی علیه ایران که نام رمز آن "ب-۲۷" است یاری دهند.

(کیهان - ۲۰ شهریور ۵۹)

کنگره عظیم عبادی - سیاسی پنج

"انقلاب اسلامی چه می خواهد؟ آیا جز رهایی انسان از قید اسارت طاغوت چیز دیگری میگوید؟ آیا جز این می خواهد که بر سر سفره نعمت پروردگار همه انسانها به تساوی و برابری بنشینند و به اندازه نیاز خود مصرف نمایند؟ آیا جز عدالت هدف دیگری هم دارد؟ آیا جز این می اندیشد که کاختهای ظالم را فرو ریزد و کوحهای مظلوم را به آشیانه ای بدل نماید؟

وحدت و خروش را به میان مسلمانان جهان براند و کنگره عبادی- سیاسی عظیم حج راه یک نمایش پرشکوه سیاسی بر علیه بزرگترین دشمن مسلمانان آمریکا- جناحینار بدل نمایند...

(سرمقاله- جمهوری اسلامی - ۲۳ شهریور)

رویدادهای ایران

باید هر چه زودتر مجتمع صنعتی واقع در جاده سمنان به سنگس مورد استفاده قرار گیرد

مجتمع صنعتی، در جاده سمنان به سنگس، که قبل از انقلاب متعلق به همبریزدانی سرمایه دار بزرگ بوده، با وجود به پایان رسیدن حدود ۹۰٪ از کارهای آن، بلااستفاده مانده است.

مسئولان آموزش و پرورش پاسخ بدهند یک معلم انقلابی، که به جرم "غیر مکتبی بودن" بازنشسته شده، در نامه بر دردی به نام "مردم" می نویسد.

بخدا زودتها صحبت کردن بی حاصل، با کوفتگی شدید عصبی، به اتفاق بچه هایم سوار تاکسی می شوم. تاراهی خانه شوم.

دختر ۷ ساله ام، که تمام مدت شاهد صحبت های من و آقای رئیس بود، با حالت معصومانه و کنجکاو می پرسد:

ما مان بازنشستگی یعنی چه؟ با خشکی مفرط که داشتم گفتم: یعنی اینکه بیرونم کرده اند. باز می پرسد: بیرون کردن یعنی چه؟ به او می گویم: یعنی اینکه دیگر اجازه نمی دهند سرکلاس بروم و به بچه ها درس بدهم.

سازاکی بودی که ترا بیرون کردند؟ در حالی که سخت تحت تاثیر سؤال دختر ۷ ساله ام قرار گرفته بودم، فکر کردم راستی چرا آموزش و پرورش افرادی مثل مرا، که در دوران سپاه برای پیروزی انقلاب مبارزه کرده اند و با تمام وجود معتقد و مؤمن به انقلاب شگوهند، هستند و همچنین در عشق تدریس به بچه ها می سوزند، به جرم "غیر مکتبی بودن" تصفیه می کنند؟

نامه مردم - مسئولان آموزش و پرورش به این معلم انقلابی چه پاسخ می دهند؟

آنها، و روی دیگرش، ناهماهنگی فاحش طیف هواداران نشان است. برای ارضای جناح ها و گرایشهای ناهمگون این طیف، که بسیاری از عناصر آن بطور تصادفی، زیر تابشونی که نام جریکهای فدایی بر آن نقش بسته جمع شده اند، به این درون در زدن و مدام به اینسو و آنسو خم شدن، عکس العملی طبیعی است.

ریشه سیاسی به قاسملو جریکهای فدائی، از چندماه پیش، با یک چرخش ناگهانی، در کردستان تغییر سیاست دادند و اینجاست، مثل همه صحنه های اصلی مبارزه، با تاخیر بسیار به همان شعار و تشخیص رسیدند که، یک سال و اندی جلوتر از آنها، حزب توده ایران رسیده بود: "حل مسأله ملی در ایران در پیوند و تابعیت مبارزه صدها پیرایستی است".

جنگ برادرکنی فرساینده در کردستان به زیان انقلاب و نیز خلق کرد و مایه خرسندی ارتجاع و امپریالیسم است. همه نیرویمان را برای استقرار صلح عادلانه در کردستان بکار بیاوریم.

حاکم بود، سازمان جریکهای فدایی خلق، از جمله علیه رخنه گری عوامل بعث عراق و بحران زائسی و خرابکاری آنها در کردستان، جبهه گرفت و نیروهای خود را به مقابله مسلحانه با مزدوران بعثی فراخواند.

و جوش عصبی و فرغ اعتراض را در طیف ناهمگون هواداران سازمان و به ویژه جبهه روهائی که دلسان با "اشرف" و "اقلیت" و "راه کارگر" و "پیکار" و خودشان در صفوف پریشان و بی دروینگر - باران "اکثریت" سازمانی بودند، برنیا نگیزد.

جریکها ثابت کرده اند که برای سرهم بندی غائله ها و قیل و قالهای مزاحم، هر جا که دستشان برآمده، از دادن ریشه های سیاسی ابائی نداشتند. ریشه این بار، با صادر کردن اعلامیه مشترک تفاهم با

آب آشامیدنی تویسرکان ناکافی است

اهالی شهرستان تویسرکان از آب آشامیدنی - سالم در تابستان محروم هستند. با این که در سال جاری از طرف شهر داری تویسرکان وجها سازندگی اقداماتی در جهت افزایش آب لوله ها از طریق لایروبی قنات های قدیمی و حفر جاه و بیوستن آن به شبکه لوله کشی شهر به عمل آمده است، معذرتاً هنوز بسیاری از محله ها از آب آشامیدنی سالم محروم هستند و سایر محله ها ۲ الی ۳ ساعت در روز آب مشروب دارند.

ما توجه مقامات مسئول را به این مسئله جلب می کنیم و از آن ها می خواهیم که با انجام اقدامات سریع آب مشروب اهالی تویسرکان راتاء مین کنند.

گمبود سیمان در مرودشت

روز یکشنبه ۵۹/۶/۴، بیش از ۲۰ تن از صاحبان کارگاه های موزائیک سازی مرودشت، با مراجعه به استانداری فارس، خواهان تأمین سیمان لازم برای کارشان شدند. این عده می گویند: "الان فصل کارهای ساختمانی و تاسیساتی است و ما باید با تمام قدرت کار کنیم تا بتوانیم نیاز مندیهای شهر را برآورده سازیم. ولی سیمان در اختیارمان گذاشته نمی شود و ما مجبوریم مثلاً یک کیسه سیمان سفید ۵۰ تومانی را از بازار سیاه بقیمت ۲۵۰ - ۳۰۰ تومان بخریم. تاکنون به فرماندار مرودشت بارها مراجعه کرده ایم، ولی وی می گوید برای هر کدام در ماه فقط ۵ هزار کیسه سیمان میدهم (در حالی که ۱۵ هزار کیسه حداقل لازم است) ما می دانیم که کارخانه سیمان فارس می تواند سیمان مورد لزوم را تأمین کند، ولی نمی دانیم بچه عملتی سیمان به دست ما نمی رسد."

کارکنان کشت و صنعت کا روون خواهان سرویس رفت و آمد هستند

از اوایل مردادماه، سرویسهای رفت و آمد کارکنان و کارکنان شرکت کشت و صنعت کارون، به بهانه گمبود بیدجه، قطع شد و متکلی بردیگر مشکلات این زحمتکشان، که برای تأمین زندگی خود باید در گرما و طاقت فرمای تاسیسات از مسافت های دور به شرکت بیایند، افزوده شد.

در ملاقاتی که تعدادی از کارکنان شرکت مزبور با قائم مقام شرکت داشتند، به جای برخورد اصولی و انقلابی، جوابهای سر بالا و غیر اصولی دریافت کردند.

تمام کارکنان این شرکت خواستار استفاده از سرویسهای رفت و آمد هستند و انتظار دارند که کسانی که در این امور قرار دارند، با برخوردی مردمی و انقلابی، مشکل آن ها را درک و حل کنند.

جناحی از حزب دموکرات کردستان، که بده و بستان های رسوا و بندوبست های آن با یعنی های عراق و روشهای جنگ طلبانه اش فقط از خواجه حافظ شیرازی پنهان است، داده شد.

همین تحریکات بحران افزا و همکاری سیاسی و نظامی دارو دسته "قاسملو" (قهرمانان ملی و سلحشور خلق کرد" در رادیوهای بغداد، بختیارو بی بی سی (ب) با رژیم بعثی عراق، انگیزه ای انشعب در حزب دموکرات کردستان و جدائی جناح سالم و از آزمون گذشته کمیته مرکزی این حزب شده بود، انشعب گندگان، با افشای مدارک محکم وحشی دستخط و امضای قاسملو شرکایش، جای کمترین تردیدی در همدستان و بیوند دسیسه آمیز قاسملو و حواریون او با رژیم بعثی عراق باقی نگذاشته بودند، (بخشی از این اسناد و نیز کلیشه مدارک دیگر در این زمینه، در شماره های ۲۶۱ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۴ و ۲۷۸ و ۲۸۰ و ۳۰۵ و ۳۱۵ و ۳۲۳ نامه "مردم" هم چاپ شده است.)

اعلامیه مشترک جریکها - بی آنکه آنها نخواهند - عملاً دستشان را از طریق قاسملوها در دست "صدام حسین" گذاشت. و این در حالی است که جریکهای فدائی، با دست دیگر، بسیاری از مزدوران بعثت در کردستان شلیک میکنند؛ نتایج عملی این اعلامیه، در حوزه محدود خود، تطهیر باند قاسملو، بهکوس نشان دادن نقش او و اعوان و انصارش به خلق کرد و گمراه کردن آنان و ایقاعی نقش شریک جرم است.

آیا جریکها دچار این خوش خیالی اند که، بعثی ها برای صلح و آزادی در کردستان به قاسملو و شرکا بول و اسلحه میدهند و قاسملو و همدستانش که این بول و سلاح را می پذیرند، و آنطور که مدارک انکارناپذیر منتشره نشان میدهد، با نظارت مستقیم ما و بران "صحن" (سازمان امنیت عراق) بکار میگیرند تا در صلح و آزادی را به کردستان بیاورند؟

قاسملوها قهرمانان آن نوع آزادی هستند که رادیو بغداد و صدای آمریکا و رادیوی بختیار از آن با شور و حرارت حرف میزنند. پهلوان پنبهها را به قاصملوها دروغ واگذاریم.

اعلامیه مشترک جریکها و باند قاسملو، با مطالبه شورانگیز صلح، قاسملو را این بار از سوی یک نیروی خلقی، پیشتر جان برتف خلق و شهید زنده راه صلح و عدالت معرفی میکند؛ و این میلکتر از تبلیغات و ریاکاریهای رادیوهای آنجانی است، اما افشاگری، فضیلت نیروهای انقلابی است، اما کسانیکه نه تنها این افشاگری رانج می کنند، بلکه آنرا علیه حقیقت بکار میگیرند، حتی اگر در نیات خود عالیتترین فضاائل را تعقیب کنند، درست مردم

۲۸ درصد تجهیزات صنعتی آلمان دمکراتیک کمینه تر از پنج سال نیست

جمهوری دمکراتیک آلمان، در سال های ۵۸-۱۳۵۰، برای تحکیم پایه مادی - فنی اقتصاد خود، هر ساله به سرمایه گذاری های خویش افزوده است. این کشور در نه سال نامبرده، در اقتصاد ملی خود دو دیگر کشورهای عضو "شورای همیاری اقتصادی" ۳۹۱ میلیارد مارک سرمایه گذاری کرد، که بیش از نیمی از آن در صنعت بود. پنجاه و نهد درصد سرمایه گذاری در صنعت، به تقویت پایه انرژی و مواد خام اختصاص یافت. در چهار سال گذشته، بیش از پنجاه درصد سرمایه گذاری های آلمان دمکراتیک به منظور توسعه و راسینالیزاسیون به کار رفته است.

با گسترش ابزار پایه ای (ماشین، تجهیزات ساختمانی، زمین، وسایل ترابری و غیره) اقتصاد ملی، افزایش کارایی سرمایه گذاری اهمیت فزاینده می یابد. جدول زیر گسترش ابزار پایه ای اقتصاد ملی - آلمان دمکراتیک را در سال های ۲۹-۱۹۷۰ نشان می دهد:

Table with 3 columns: Year, Investment in billions of marks, Investment in billions of dollars.

اکنون ۲۸ درصد تجهیزات صنعتی، در جمهوری - دمکراتیک آلمان از پنج سال کمینه تر نیست.

در جهان سرمایه داری

بحران انرژی، بسود کمپانی های نفتی است

کشور های امپریالیستی پیوسته می کوشند تا "بحران انرژی" را به عنوان یکی از عمده ترین عوامل تورم توان فرسای، که در این کشور ها حاکم است، معرفی کنند. معلوم نیست که چرا، در حالی که سرمایه داران و دولت های این کشورها، از جمله به بهانه "بحران انرژی" کارگران را به تعدید خواست های حقشان فرا می خوانند، شرکت های نفتی به سودآورترین کمپانی ها تبدیل شده اند؟

جدله "فورچون" جندی پیش لیستی از ده کمپانی سودآور جهان منتشر کرد، که "تصادفا" شش تای آنها کمپانی های نفتی هستند:

Table with 3 columns: Rank, Company Name, Revenue in billions of dollars.

نستند. دوستی در "نیت"، اگر به دشمنی در "عمل" ختم شود، همان دشمنی است. به قول آشنا و مکرر لنین: "راه چشم را هم با حسن نیت سنگشورش کرده اند."

"بگو دوست تو کیست، تا بگویم که هستی"، "بگو دشمن تو کیست، تا بگویم چکارهای"، "بگو چه رادیوها و نیروهای برای قاسملو و شرکا - به به میگویند و چه میزنند، تا بگویم با چه کسی اعلامیه" مشترک صادر کرده ای. با طناب بوسیده" قاسملوها به ته جا رفتن، به "حرف های آنها له صلح و آزادی و علیه اسرائیلیسم و بعثت، دل خوش کردن، و "عمل" صریح او را به باد این "حرف های صندتاریک غاز سیردن، با مال کردن ن اصل طلائی هدایتگراست که میگوید:

"شترکه چه میگوید، بنگر که چه میکند." "دستان هنوز جریک! ساله اعلامیه" مشترک با گروه قاسملو، یک تصادف و یک استثنای نیست.

حاصل بدیهی اسلوب و تخریبی است که، تناقض، تلون و سرگشتگی، طبیعت است. با چنین اسلوب و اندیشه ای، هر خواست و آرزوی شریفی میتواند در نهایت به ضد خود بدل شود. ساله قاسملو و مزدوران، بسانه مشت نمونه خروار، ناپدید صحت این نظرات است. شما حتی اکثریت تان این باند که قاسملوها را به انقلاب جلب کنید، در واقع وانمود میکنند که آنها میتوانند به انقلاب جلب شوند، و دامن زدن به این توهم، خودیاری ناخواسته به ضد انقلاب است.

بنتیانی شما از قاسملوها برای باز داشتن آنها از ادامه برنامه، نظیر "خیر خواهی انقلابی" سوسیکیهای روسیه در حمایت از کادتهای ضد انقلابی است. لنین، از قله تجربه های بلشویزم تقدیر محتوم یک چنین "یاری" و "خیر خواهی" را به رخ شما و امثال شما میکند. چشمپایتان را باز کنید:

"در هر موردی که منشویکها از "کادت" ها مثلاً پشتیبانی کردند، منشویکها در واقع خسود ایزاری بودند در دست کادتها... تجربه نشان داده است که در این موارد، به رغم "آرزوهای" پلخائف و دیگرو منشویکها، برولتاریا برانجام وسیله قرار گرفته است." (۱۶)

بخش دوم این مقاله در شماره آینده، نامه "مردم" میخوانید.



# پیروان خطبر ژینسکی در تلاش هموار ساختن راه سازش با آمریکا

## درباره نامه آقای صادق قطب زاده به مجلس شورای اسلامی ایران برای آزادی گروگانهای جاسوس امریکائی

نامه آقای صادق قطب زاده به مجلس شورای اسلامی برای آزادی «گروگانهای جاسوس امریکائی» بار دیگر تلاش پیروان خط برژینسکی را برای هموار ساختن راه سازش با آمریکا، با وضوح تمام و البته چنانکه رسم آقای قطب زاده است، با دشنام و اتهام به مخالفان خط برژینسکی، یعنی مخالفان شیطان بزرگ آمریکا، دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - آشکار میسازد.

قبل از ورود در اصل موضوع، میخواهیم یادآور شویم که ضرب الاجل - و در واقع اولتیماتومی که آقای قطب زاده در نامه خود داده، مبنی بر اینکه اگر تا یکماه دیگر شرایط آزادی «گروگانها» بررسی نشود، فرصت مناسب از دست خواهد رفت، و آنوقت آسمان به زمین خواهد آمد، سیری شده، ولی آب هم از آب تکان نخورده است! (در نامه آقای قطب زاده بتاريخ ۲۷ مرداد ۵۹، گفته شده که «این موقعیت مناسب فقط در یک ماه آینده وجود دارد.»)

و اما معروف است که، هنگامیکه لشکریان مغول به بغداد وارد شدند و آخرین خلیفه عباسی را سیر کردند، برخی از «بزرگان»، که میخواهند جان خلیفه را نجات دهند، هلاکوخان را میترساندند که اگر خون خلیفه مسلمین بر زمین ریخته شود، آسمان به زمین خواهد آمد. خواجه نصیرالدین، که وزیر هلاکو بود، برای غلبه بر تردید خان تدبیری اندیشید و گفت:

خلیفه را در تمد خواهیم پیچید و روی زمین خواهیم مالاند و بر آسمان نظاره خواهیم کرد و همینکه کوچکترین علامتی از فرود آسمان دیده شد، دست برخواهیم داشت! آخرین نفس خلیفه بر آمد و آسمان فرونیامد! امروز خلقهای ستمدیده جهان و خلق قهرمان ما، امپریالیسم آمریکا، این مدعی خلافت بر سراسر جهان را دردم پیچیده اند و بتدریج جانش را میگیرند و کسانی نیز در کنار ایستاده، مردم را از فرود آمدن آسمان میترسانند، اما دست توانای خلق از حرکت نمی ایستد و تا جان این جانور وحشی را نکیرد، آرام نمیگیرد و به «توصیه های فرستادگان و دوستداران و دستیاران خلیفه نیز وقتی نمیگذارد.

نامه آقای قطب زاده نیز شرحی از خط فرود آمدن آسمان است. ببینید خودباختگی در برابر امپریالیسم آمریکا باید تا چه پایه باشد که کسی بتواند چنین جمله ای را بر زبان تلم جاری کرده بنویسد:

«عدم حل مسئله گروگانگیری عملا از همان اول دولت جدید (دولت رجائی) را در زیر بار مشکلات روزافزونی قرار خواهد داد که حتی احتمال موفقیت او را هم از بین خواهد برد. و این جوانمردانه نیست که دولتی را انتخاب کنیم و دست و پالش را چنان بسته نگاه داریم! آنچه آن که در گذشته هم کردیم که بخصوص در این موقع حساس خدای نخواستہ شکستی را تصمین کنیم.»

بزم آقای قطب زاده، «شکست» دولت موقت در اجرای برنامه هایش نتیجه «گروگانگیری» بود و اگر «گروگانگیری» ادامه یابد، دولت جدید هم «شکستی» تصمین شده است. چرا؟ زیرا همه مشکلات اقتصادی و سیاسی ما در دوران پس از انقلاب، به ستیقه آقای قطب زاده، «ناشی از مسئله گروگانگیری و ادامه آن است.»

مشکلات اقتصادی ما را آقای قطب زاده چنین شرح میدهد: ۸۰ میلیارد دلار ما در آمریکا توقیف شده است، ۵۰۰ میلیون دلار بیره پولی ما به بدر رفته است (کل بودجه چهار ساله بودجه در سال گذشته)، ۲۰ میلیارد دلار وارداتمانرا هم از همان امپریالیستهای نابکار گرانتر خریدیم، صنایع و کارخانجات ما هم در اثر کمبود مواد اولیه و قطعات یدکی بطور قابل توجهی صدمه دیده که خود کاهش عرضه کالا و در نتیجه کاهش تولید داخلی را موجب شده است. علاوه بر عدم ایجاد فرصت های شغلی و در نتیجه افزایش بیکاری، سررسید قسمت عمده ای از بدهیهای ایرانی، دعای مربوط به خود و خانواده گروگانها، که در دادگاههای آمریکا طرح و بالغ بر سدها میلیون دلار میگردد.

می بینید که آقای قطب زاده، نه تنها بهانه امپریالیستهای آمریکائی را پذیرفته است که آنان بدلیل «گروگانگیری» داراییهای ایران را توقیف و ایرانرا در محاصره اقتصادی گرفته اند (که ما مجبور شده ایم وارداتمان را ۲۰ میلیارد دلار از خودشان گرانتر بخریم!) بلکه میخواهد کاهش تولید داخلی ما و افزایش شماره بیکاران را از طریق تامین «کمبود مواد

اولیه و قطعات یدکی» از آمریکا از بیان بردارد حتی سدها میلیون دلار دعای مربوط به خود و خانواده «گروگانها» را، که در دادگاههای آمریکا طرح شده است، بپردازد!

ولی مردم ایران سؤال میکنند: آیا توقیف اموال و دارائی دولتهای انقلابی در آمریکا برای نخستین بار صورت میگیرد و آیا نتیجه «گروگانگیری» بوده است؟

آیا محاصره اقتصادی دولتهای انقلابی بوسیله آمریکا نتیجه «گروگانگیری» بوده است؟ کدام انقلاب فداامریالیستی در جهان زوی داده است که امپریالیستهای آمریکائی آنرا با انواع طرق، از جمله توقیف اموال و محاصره اقتصادی زیر فشار قرار نداده اند؟

مگر کوبای انقلابی «گروگانگیری» کرده بود که اموالش را توقیف کرده و هنوز هم آنرا در محاصره اقتصادی گرفته اند؟

مگر جمهوری خلق چین، تا زمانیکه سرانش به انقلاب خیانت نکرده بودند، در معرض محاصره اقتصادی آمریکا قرار نداشت؟

مگر شیلی آئینده «گروگانگیری» کرده بود؟ سیاست آمریکا در مقابل انقلابهای ضد امپریالیستی و خلقی روشن است: سرکوب و یا منحرف کردن انقلاب یا دسیسه و توطئه بدست عوامل خود (نمونه شیلی و نمونه مصر).

جمهوری اسلامی ایران، تا زمانیکه چون آتشفشان انقلابی می توفد، زیر ضربه امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا قرار خواهد داشت. آزادی «گروگانها» فریضه در برخورد امپریالیسم با انقلاب ایران تأثیر نخواهد گذاشت، مگر اینکه این عمل، چنانکه آقایان لیبرالها و بیروان خط برژینسکی آرزومندند، مقدمه ای برای تجدید روابط دیرین دوستانه با آمریکا باشد، که در این تجدید روابط، ما باید از مواضع انقلابی خود عقب نشینی کنیم. زیرا امپریالیسم، چنانکه خود آقای قطب زاده نیز معترفند، «همان سیستم حکومتی آمریکاست» و تا وقتی که این سیستم تغییر نکرده است، انتظار تغییر در مناسبات آنرا ما نیز ممکن نیست. یکی دیگر از «استدلالات» آقای قطب زاده است که، ما باید مسئله «گروگانها» را قبل از انتخابات آمریکا حل کنیم و نگذاریم که جمهوریخواهان، یا استفاده از جو تبلیغاتی بیامون مسئله گروگانگیری، در انتخابات ریاست جمهور آمریکا پیروز شوند، زیرا «همان دموکراتها و جمهوریخواهان در روش و شدت و ضعف عملکرد استعماری آنها در رابطه با خلقهای جهان فرقی وجود دارد و بنابراین از نظر مصالح ایران بهتر است که حزب دموکرات آمریکا در انتخابات پیروز شود. نظری به فهرست وقایعی که در تاریخ آمریکا، هنگام زمامداری این دو حزب روی داده است، ثابت میکند که «روش و شدت و ضعف عملکرد استعماری» حکومت های حزب دموکرات و حزب جمهوریخواه آمریکا یک عامل دائمی در سیاست این احزاب نیست، بلکه این «شدت و ضعف» بسته به آن است که منافع سیستم امپریالیستی آمریکا بطور کلی و منافع انحصاراتی که غذادهنده و آفریننده این احزاب هستند، در کجا و به چه صورت در معرض خطر قرار گیرد. بهترین مثال جنگ ویتنام است، که در دوران زمامداری هر دو حزب ادامه داشت. نمیتوان گفت که حکومت کارتر در صورتی که دوباره حزب دموکرات در انتخابات پیروز شود «در عملکرد استعماری خود» نسبت به ایران روشی نرمتر از حکومت ریگان در پیش خواهد گرفت. زیرا این همان کارتر و حزب دموکرات اوست که تا آخرین لحظه از رژیم شاه سابق حمایت کردند. این همان کارتر و حزب دموکرات اوست که در عرض یکسال و نیم پس از انقلاب اینهمه توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کرده اند و میکنند. اینهمه مشکلات اقتصادی و سیاسی را که آقای قطب زاده نام میبرند، همین حکومت کارتر برای ما فراهم ساخته است. «شدت و ضعف عملکرد استعماری» حکومت های حزب دموکرات و حزب جمهوریخواه بسته به تمایل و خواسته های ذهنی این احزاب نیست، بلکه بسته به «شدت و ضعف» امکانات و نیروهاست که حکومت آمریکا در زمان و مکان معین در اختیار دارد. در مورد ایران، «عملکرد استعماری» این دو حزب نمیتواند فرق بنیادی داشته باشد، برای آنکه انقلاب ایران منافع امپریالیسم آمریکا را - که این هر دو حزب نماینده آن هستند - بخطر انداخته است.

آقای قطب زاده، در توضیح مشکلات سیاسی ما

در ارتباط با «گروگانگیری» به دو مسئله دیگر نیز اشاره میکند: یکی عوارض جنگ فرساینده ای که آمریکا از طریق نوکرش «بعث عراق» علیه ایران ایجاد کرده و دیگری «منزوی ساختن ایران در صحنه گیتی». او چنین می نویسد:

«سیاست آمریکا از لحاظ داخلی در انجم خود باندازه کافی از مسئله گروگانها استفاده کرده است. بدین معنی که ملتی که وجوه اختلاف زیادی در جناح هایش بود، بر سر این مسئله در مقابل ما متحد شدند و توانستند با تبلیغات وسیعی که براه انداختند، ما را به یک معنی در صحنه گیتی منزوی سازند.» (توجه کنید که در اینجا نظریه قبلی نفی و اختلاف بین جناحها، یعنی احزاب دموکرات و جمهوریخواه، با اتحاد در مقابل ما تبدیل شد!)

در مورد عراق، البته مقصود نویسنده نامه اینست که آمریکا درائی «گروگانگیری» بخشش آمده و «نوکرش بعث عراق» را به جنگ علیه ایران برانگیخته است. این تحلیل بسیار سطحی نمیتواند انگیزه های دولت ضد خلقی عراق را در جنگ علیه ایران توضیح دهد. سیاست ماجراجویانه دولت بعث عراق نسبت به انقلاب ایران ریشه های عمیقتری دارد، که آن را در مقاله دیگری توضیح خواهیم داد.

اما در مورد «منزوی شدن انقلاب ایران» در صحنه گیتی، متأسفانه «صحنه گیتی» در چشم آقای قطب زاده چنان تنگ است که جز دنیای سرمایه داری را دربر نمیگیرد.

انقلاب ایران بیچوجه منزوی نیست. تمام کشورهای های سوسیالیستی با نیروی عظیم اقتصادی، سیاسی و نظامی خود پشتیبان انقلاب ایرانند. در جرگه کشورهای «دنیای سوم»، ایران دوستان زیادی دارد. در آسیا، کشور بزرگی چون هند پشتیبان انقلاب ایران است. در قاره آفریقا جز کشورهای نظیر مصر و مغرب، همه از انقلاب ایران پشتیبانی میکنند. کشورهای چون سوریه، لیبی، الجزایر، یمن دموکراتیک و خلق عرب فلسطین هواداران آتشین انقلاب ایرانند. در آمریکای لاتین، از کوبای سوسیالیستی که بگذریم، نیکاراگوئه انقلابی و همه خلقهای این قاره نیز دوست انقلاب ایرانند.

پسین دیگر، بدانگونه که جهان بدو قطب ترقی و انقلاب از یکسو و ارتجاع و ضد انقلاب از سوی دیگر تقسیم شده است، برخورد با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیز در قطبهای مخالف با یکدیگر متفاوت بوده و هست. آری، ما در یک قطب جهان یعنی جهان امپریالیستی - منزوی شده ایم، اما در قطب دیگر، یعنی جهان فداامریالیستی - دوستان وفادار و یاران صمیمی بسیاری یافته ایم. روزنامه های کشورهای سوسیالیستی را ورق بزنید، ببینید که با چه احساسات گرمی از انقلاب ایران سخن میگویند. این دروغ ناجوانمردانه است که کسی بنویسد، اتحاد شوروی میخواهد انقلاب ایران را منزوی کند و «در حداقل کمک به حل مشکلات صنعتی سیاسی ما مضايقه میکند». کسانی که با تمام نیروی خود به پیروی از رهنمود برژینسکی در راه «منزوی ساختن ایران از اتحاد شوروی» بظهور سرنگون کردن رژیم خفینی» میگویند و پیوسته در راه توسعه روابط ایران و اتحاد شوروی سنگ میاندازند و آشکارا تلاش میکنند که این روابط تا آن حد که ممکنست به تیرگی گرایند، در تهران نشسته اند، نه در مسکو. اتحاد شوروی هیچ نفعی در منزوی ساختن انقلاب ایران ندارد. اما بیروان خط برژینسکی در منزوی ساختن انقلاب ایران از اتحاد شوروی نفع دارند.

آری، کسانی که خصومت با دنیای سوسیالیسم چشم بصیرت آنان را کور کرده است، عملا همان سیاست برژینسکی را دنبال میکنند.

امروز که دیکتاتوری نظامی در ترکیه بحکومت رسیده و رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاع الحاق، پاکستان را به سرپل تدارک حمله به ایران تبدیل کرده و هر دو دیکتاتور برای هم «صمیمانه» پیام میفرستند، کسانی که در تهران نشسته اند و ادعا میکنند که اتحاد شوروی میخواهد در روابط این کشورهای «دوست» با ایران تقنینی کرده ایران را منزوی سازد، اگر کوچکترین سداقتی در آنها وجود داشته باشد، باید لاقل اعتراف کنند که از درک مسائل سیاسی ایران پس از انقلاب عاجزند.

بزرگترین وظیفه وزارت امور خارجه ایران در دوران پس از انقلاب، کوشش در راه تحکیم روابط سیاسی و اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی ایران با دولتها و خلقهای بود که منافع آنان با منافع ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم آمریکا

هماهنگی داشت. هر کور بی غرضی میدید که ترکیه و پاکستان در عداد کشورهای نیستند که بتوانند با ما بر ضد امپریالیسم مبارزه کنند، زیرا هر دو پایگاه امپریالیسم اند، هر دو با آمریکا قرارداد دوجانبه نظامی دارند. اما وزارت امور خارجه ایران تمام کوشش خود را در راه نزدیکی به این دو رژیم سرسپرده با امپریالیسم آمریکا بکار بست. و این در شرایطی است که جوانان رشید انقلابی ما، دیپلماتهای جاسوس آمریکائی را به علامت اعتراض و عکس العمل در برابر توطئه آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و به سیاست نزدیکی با امپریالیسم آمریکا، که دولت موقت در پیش گرفت، به «گروگان» گرفتند. بعید نیست که اگر «انقلاب دوم» ایران نبود، بیروان خط برژینسکی بمرم ایران توصیه میکردند که باید پیمان سنتو را (البته این بار بنام اسلامی) احیا کرد. «گروگانگیری» اگر هیچ فایده دیگری هم نداشت، این فایده بزرگ را داشت که دست ناپاک کسانی را که میخواهند ما را یالیسم آمریکا را از بیراهه به ایران بازگردانند، بست. نامه آقای قطب زاده نشان میدهد که، با آنکه هنوز «گروگانها» آزاد نشده اند، سیاست کارچاق کنی برای اعاده روابط با آمریکا، که بدلیل ماهیت تغییر ناپذیر امپریالیستش چیزی جز روابط وارثگر و غارت زده نمیتواند باشد، با چه حرارتی دنبال میشود. از آنچه گفتیم نتیجه میگیریم که مسئله گروگانها برای هر دو طرف، چه امپریالیستهای آمریکائی و چه طرفداران سیاست نزدیکی با آمریکا و بیروان خط برژینسکی بهانه ای بیش نیست.

امپریالیستهای آمریکائی «گروگانگیری» را فقط بهانه سیاست اعمال فشار بر انقلاب ایران قرار داده اند. دلایل، علل و اسباب این سیاست چهرای دیگری است و «گروگانگیری» بهانه، بدیهی است که هیچ عاقلی گول اینرانی نخواهد خورد که آزادی «گروگانها» فریضه برای امپریالیسم آمریکا، که سدها هزار آمریکائی را در جنگ ویتنام قربانی مطامع خود کرده است، مسئله ای جدی باشد.

پس سؤال اینست: آیا میتوان با گرفتن این بهانه از دست امپریالیستهای آمریکائی، آنها را به «آشتی کردن» با انقلاب ایران واداشت؟ هرگز! انقلاب ایران یا باید سرکوب شود، یا از داخل بیوسد تا بر وفق مرام آنها باشد. امپریالیسم آمریکا دمورود ایران هیچ گذشتی تن درنمیدهد و کارتر اینرا صراحتا به ژیسکارستن گفته است که «ما از ایران و آلمان هرگز سرفظ نخواهیم کرد».

بنابراین، ما چه بهانه بدهیم و چه ندهیم، امپریالیستهای آمریکائی برای اعمال فشار بر ما همیشه بهانه خواهند یافت. از این نظر «گروگانها» چیزی جز یک بهانه نیستند. اما امپریالیستهای آمریکائی امید دارند که با آزادی «گروگانها» بتوانند نخستین گام را در راه اعاده روابط سابق با ایران بردارند و راه را برای پوساندن انقلاب از داخل هموار کنند، یا بعبارت دیگر، زمینه مساعد داخلی را برای رساندن لیبرالها (تیب سادات) بحکومت فراهم سازند. و در اینجاست که میگوئیم، آزادی «گروگانها» برای طرفداران نزدیکی به آمریکا و بیروان خط برژینسکی نیز یک بهانه است. آنها بخوبی میدانند که مشکلات اقتصادی و سیاسی ما بیچوجه ارتباطی با «گروگانگیری» ندارد. آمریکائیها قبل از «گروگانگیری» ناوگان عظیم خود را بخلیج فارس فرستاده بودند، قبل از «گروگانگیری» عوامل خود در داخل ایران بر ضد انقلاب ایران توطئه میکردند و توطئه های بی دربی آنان بر ضد انقلاب ایران در ظرف چند ماه اخیر نیز بخوبی نشان داد که این توطئه ها هیچ ربطی با «گروگانگیری» ندارد. اینها همه اظہر من الشمس است. اما آنها اصرار میکنند که «گروگانها» آزاد شوند، زیرا میخواهند راه را برای گسترش روابط اقتصادی و سیاسی و نظامی با آمریکا باز کنند. مقصود آنها اینست و آزادی «گروگانها» بهانه. این دو بهانه در حقیقت پشت و روی یک سکه اند.

اما رادحل مسئله «گروگانها» را امام خفینی به رای مجلس محول کرده اند و ما امیدواریم که مجلس بتواند تصمیم مقتضی در این باره اتخاذ کند. بنظر ما این تصمیم هنگامی میتواند پاسخگوی منافع انقلاب ایران باشد که باصل مسئله بپردازد نه به بهانه و اصل مسئله اینست که: جمهوری اسلامی ایران بدون قطع نفوذ امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و بدون بریدن ریشه سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی که خواستار این نفوذند، نمیتواند به حیات خود و رسالت انقلابی خود ادامه دهد.

## پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست بلژیک استقرار موشکهای آمریکا را در اروپا محکوم کرد

در غیر این صورت مذاکرات برای قطع مسابقات خانمان بر انداز تسلیحاتی بخطر می افتد.

دبیر کل حزب کمونیست بلژیک در گزارش خود اضافه کرد: در این مورد لازم است حزب کمونیست تمام مساعی خود را بکاربرد تا جنبش عمومی علیه استقرار این موشکها در خاک بلژیک تقویت

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست بلژیک در بروکسل برگزار شد. در این پلنوم مسائل مهم جهانی و اوضاع کشور مورد بررسی قرار گرفت. دبیر کل حزب کمونیست بلژیک در گزارش خود بویژه تأکید کرد: در شرایط کنونی جهانی بویژه این مسئله مهم است که بلژیک علیرغم فشار از سوی آمریکا و ناتو در تصمیم مربوط به استقرار موشکهای آمریکائی در خاک خود موافقت نکند زیرا

شود. دبیر کل حزب کمونیست بلژیک افزایش بودجه نظامی از سوی دولت را شدیداً محکوم کرد و در زمینه اوضاع داخلی گفت: افزایش بیکاری و تورم، نارضایتی روزافزون توده ها، وخامت شرایط زندگی و کاهش درآمد واقعی مردم و گسترش مبارزه طبقاتی در ارتباط با تعرض تازه بورژوازی بزرگ علیه منافع حیاتی زحمتکشان صفات مشخصه کنونی جامعه بلژیک است. پلنوم وظایف حزب را در افزایش مبارزه برای حمایت از خواسته های برحق زحمتکشان تعیین کرد.

# رفقای توده‌ای ما را در کردستان آزاد کنید

مدتی است که دوفز از رفقای توده‌ای بنامهای جعفر حیدری و محمد شیخی، را بدون دلیل، در کردستان دستگیر کرده‌اند. طبق اخبار واسله جعفر حیدری را به شش‌ماه حبس محکوم و از سندیج به زندان اوین منتقل کرده‌اند. ما به این عمل خلاف عدالت و مصالح انقلاب شدیداً اعتراض می...

راستاً کمر به ریشه کن کردن دشمن اصلی خویش بسته‌اند. از همین رو است که کمیسیون خارجی مجلس شورای اسلامی ایران در جلسه علنی مجلس صریحاً اعلام می‌دارد: «آمریکای جهانخواه به عنوان شیطان بزرگ و مظلم استکبار جهانی، بزرگترین دشمن استقلال و عظمت ما و همه مستضعفین جهان است».

## شناخت دشمن...

بقیه از صفحه ۱

ایران بر عملکرد خونین امریالیسم جنایت‌پیشه و غارتگر آمریکا بر ایران استوار است. در واقع امام خمینی حرف ۳۶ میلیون ایرانی را بازمی‌گوید که یک ربع قرن در کارخانه، در مزرعه، در مدرسه، در خیابان، بر سر سفره‌های خالی، در سلول‌های زندان، در اتاقهای شکنجه، در تبعید و در همه و همه جا ستم امریالیسم جهانی، به سرکردگی یانکی‌ها را با کوشش و استخوان خود لمس کرده‌اند. این تجربه تاریخی، که به مقیاس جهان تحت ستم امریالیسم وسعت دارد، در آخرین پیام امام خمینی پر روشنی تمام نمکس است:

«آمریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید. او مردم مظلوم جهان را با تبلیغات وسیعی، که بوسیله صیونیسم بین‌المللی سازماندهی می‌گردد، استثمار می‌نماید. او با ایادی سرموز و جنایتکارش چنان خون مردم بی‌بانه را می‌مکد، که گوئی شیخکس جز او و افسار حق حیات ندارد...»

این سخنان یادگیر نشان می‌دهد که رهبر انقلاب روبیناگذار جمهوری اسلامی ایران چگونه دشمن اصلی خلق‌های ایران را می‌شناسد، آن را بیابای رسوا می‌کند و مردم مظلوم جهان را به اتحاد علیه آن می‌خواند.

همه دوستان انقلاب ایران پشتیبان این خط هستند. همه یاران وفادار انقلاب ایران - چه مسلمان، چه بیور سوسیالیسم علمی - در همین مسیر می‌روند و در همین

# جوان توده‌ای...

مطلبی که در زیر می‌خوانید، نامه یکی از اعضاء «سازمان جوانان توده ایران» است. رفیق جوان ما بعد از پیوستن «سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران» به صفوف مبارزین «سازمان جوانان توده ایران» احساسات اذدل پر خاسته خود را بروی کاغذ آورده است. نامه را بخوانیم، که خود گویای همه چیز است:

«با سلام؛ آنچه می‌گویم، همه آن چیزی نیست که می‌خواهم؛ رفقا! بغض بزرگ، آمیخته با خوشی، غرور آلوده و افتخار برانگیز که می‌گذارد همینطور اشک شوقم، چشمهایم را بسوزاند، راه گلویم را گرفت؛ منل وقتی که اولین بار پرواز «توده‌ها» را در هوای بارانی و سرد اجتماع «شبهای شمر» دیدم؛

منل وقتی که اولین بار در راهپیمایی عظیم و پرهیت «عیدفلز» شعار «برادر، بی‌اخیز، برادرت کشته شد» را خواندم.

منل وقتی که اولین بار «قطار فشنک» را به سرپای که پشت مسلسل سنگینش نشسته بود و دیوار «کمیت» را نشانه می‌رفت، رساندم؛ منل وقتی که اولین بار سرود پرشکوه و بسنجیده «حزب» را زیر سقف سالن ورزش دانشگاه صنعتی، بی‌خوف و وهم‌شندیم؛ رفقا! ما را و مرا از تبار باغدانیان دانسته‌اند، از سلالة وارطان، که پیروزی امروز انقلابمان در گرو جهانیان پاکستان است؛ که در پیکار خونین و بی‌امان با استعمار و استبداد، جانانه، به رسائی قامتشان ایستادند؛

که در نبرد مرگ و زندگی، مرگ را پذیرا شدند، تا مردم شریف و قهرمان میهنمان آزاد زیند و خود رها از بند رست و پاکیز «وابستگی» سرنوشت خود را رقم زنند.

این را همه کس می‌داند که «توده‌ای» بودن چه دشوار است؛ رفقا! ما را و مرا به سازمان جوانان حزب سترگ سلخسوران ازجان گذشته و سراپا اینار، حزب ایرمدان مبارزمو دانش، پایداری وفداکاری، حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران پذیرا شده‌اید، به سازمان جوانان حزبی که صفحه‌منحنه تاریخ‌خسماسه آفرین و خونینش را با رفیق و درد قرنها شکنجه و زندان و تبعید و داغ خونین سدها تیرباران نوشته‌اند.

«موهبتی است زیستن» رفقا! و دوشادوش کارگران وزحمتکشان و روشنفکران «حزب توده ایران» زمین!

آنچه گفتم همه آن چیزی نبود که می‌خواستیم، رفقا! - وقت تک‌است، «مردم»ها را باید به مردم برسایم! - این را و همه آنچه را که انجام می‌دهم، کوششی است برای آغاز انجام، وظیفه‌ای است که «حزب»م بعدهم گذاشته؛ وظیفه‌ای سترگ که نبرد بسا امریالیسم، بسرکردگی امریالیسم آمریکا و دفاع از انقلاب «جمهوری اسلامی ایران» از اولین آنهاست.

زنده باد حزب تود ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!

## ژنرال ضیاء الحق...

بقیه از صفحه ۱

و نظامی رژیمهای وابسته به آمریکا و تقویت مواضع سیاسی و نظامی - اقتصادی امریالیسم آمریکا و حلقه‌ای از زنجیره محاصره سیاسی و نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جبهه پایداری در منطقه خاور نزدیک و میانه است. مسافرت قریب‌الوقوع ضیاء الحق به واشنگتن و دیدار وی با کارتر رئیس جمهور آمریکا نیز بدون تردید با همین طرحهای سیاسی و نظامی آمریکا و اجرای توطئه‌های ایران جدید علیه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان و هم‌پیوندی نظامی و سیاسی هرچه بیشتر رژیمهای دست‌نشانده آمریکا در این منطقه، در ارتباط است.

امریالیسم آمریکا، علاوه بر طرحهای ضربتی کوتاه مدت باهدف براندازی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و تضعیف مواضع کشورهای عضو جبهه پایداری، میکوشد با تقویت نظامی و تثبیت مواضع رژیمهای دیکتاتوری نظامی در پاکستان و ترکیه و رژیمهای سرسپرده خود در مصر، عربستان سعودی، عمان و امارات عربی، مواضع نظامی و سیاسی و موقعیت استراتژیکی - نظامی خود را در این منطقه تقویت کند و حلقه محاصره سیاسی و نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جبهه پایداری را تنگتر و تنگتر کند.

«اعتقاد ندارم که پاکستان کاملاً وابسته به آمریکاست». آیا اتخاذ چنین موضعی نسبت به رژیم ضیاءالحق از جانب صادق قطب‌زاده امری تصادفی و تنها ناشی از عدم شناخت ماهیت رژیم پاکستان است، یا انگیزه‌های دیگری دارد؟!

# برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

# شوخی نیست...!

## اسلام آمریکائی، سوسیالیسم راهم تکفیر، می کند

همانطور که میدانید، «اسلام آمریکایی» در مقابله با اسلام انقلابی امام خمینی، با عجله و دستپاچه به «تکفیر» امام خمینی و اسلام انقلابی ایران پرداخت. تازه‌ترین این تکفیرها، تکفیری است که از سوی مفتی «عظیم» مراکش صورت گرفته است.

و اما جالب است بدانید، که «اسلام آمریکایی» به همین شدت سوسیالیسم را نیز «تکفیر» می‌کند. اخیراً عده‌ای از علمای برجسته، در بنگلادش و پاکستان فتوایی صادر فرموده‌اند و طی آن سوسیالیسم را «کفر» لقب داده‌اند. البته مطمئنیم که سؤال نمی‌کنید؛ چرا این علمای برجسته، تا بحال در این فتواها، برای یکبارم که شده، آمریکا را تکفیر نکرده‌اند!

## آرزوی آقایان!

«آمریکا می‌تواند همه شهرهای شوروی را، که بیش از ۱۵۰ هزار نفر جمعیت دارد، منهدم کند.» (میزان، ۲۰ شهریور ۵۹)

## طفلی فرح!

یکی از روزنامه‌های تازه متولد «بامداد» که بنا به عادت مرصیه گردانندگانش، اوضاع و احوالش را با نظریات پرژنیسکی «میزان» می‌کند، نصف صفحه بزرگ روزنامه خود را اختصاص داده است به مصاحبه با فرح؛ این مصاحبه که به عکس‌انگیزی در جامه «سیاه» از «شهبانوی» آبهائی مزین است که هنوز مهرش را از دل وانگذاشته‌اند، تمامی به شرح زندگی «رفقا انگیز» فرح اختصاص دارد و خانم بزرگوار، که در چندماه آخر سلطنت شاه جانی، در همه کشتارها در ایران دست داشته، درحالیکه با «صدای گرفته و ضعیفی» حرف می‌زند، از «مسائل وحشتناک» و «مشکلات بی‌پایان»، از «زخم‌هایی که برداشته» از «شوکه‌های وحشتناک» می‌گوید، و بعدم خودش را به کوچکی علی‌چپ می‌زند، که از ساواک و جنایات آن روحش بی‌خبر بوده است!

خلاصه آنقدر این سخنان دردناک است، که خواننده کم‌مانده احساساتی بشود و بگوید: «گوریدر مال دنیا! ثروت شاه را بیخشید به فرح، برود زخم‌هایش را درمان کند!» اما همینکه یادش می‌افتد که این مصاحبه در ترازوی کسانی «میزان» شده، که «سلطنت بدون شاه» می‌خواستند و حالا نم دوری از آمریکا را می‌خورند، جلوی احساسات خودش را می‌گیرد. از آنجا که این مصاحبه منبعی ندارد، به نظر میرسد که مصاحبه‌گر آن نماینده «سلطنت دوستان بدون شاه» باشد!

### کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

- رقفا روزبه و آرش از خرمشیر و آبادان ۲۰۰۰۰۰ ریال
- جمع‌آوری شده در عروسی در شیرستان سنز ۲۰۰۰۰ ریال
- معصومه ب. ۵۰۰۰ ریال
- م.م. از بندر انزلی ۵۰۰ ریال
- ثریا. ع. ۱۰۰۰۰ ریال
- م. خادم از اصفهان ۲۰۰۰۰ ریال
- در آبی از آمریکا ۱۰۰۰۰ ریال
- گروه تندر از قم ۲۰۰۰ ریال
- ابران. ب. ۲۰۰۰ ریال
- آزادی ۳۰۰۰ ریال
- رامین ۰.۵ از فروش آدامس و پس‌انداز ۲۳۰۰ ریال
- ج.م. ۲ عدد سکه نیهپولوی سابق ۲۳۰۰ ریال
- ع.ف. تعدادی سکه طلا ۲۰۰۰ ریال
- ف.ب. سازمان حزب در بلژیک ۲۰۰۰ ریال
- الله صمد ۱۰۰۰ ریال
- یکی از یاران تیزابی ۵۰۰۰ ریال
- رضا و محمد از لندن ۲۰۰۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را ب حساب بانکی به نام آقای کتبی متنش به شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

نامه مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM

No. 335  
17 September 1980

Price: West-Germany 0.80 DM

France 2 Fr.

Austria 8 Sch.

England 20 P.

Belgium 10 Fr.

Italy 350 L.

U.S.A. 40 Cts

Sweden 1.50 Skr.

نامه مردم

توضیح

در مقاله «کارزار دروغ و بهتان علیه حزب توده ایران» در شماره ۳۲۷ کنیده، مندرج در شماره ۳۲۷ نامه «مردم»، آقای محمد قلی طاهرزادگان، هوادار حزب توده ایران اعلام شده بود که درست نیست و منوچهر طاهرزادگان (برادر وی)، هوادار حزب توده ایران است.

همچنین لازم به تذکر است که صاحب انتشارات نوپا (داوود حسینی زادگان)، هوادار حزب توده ایران است.